

بسم الله الرحمن الرحيم



حاضران به غایبان برسازند

پیام‌هایی از خطبه غدیر

دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ اكْرُمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱
(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم و خیال بیرون آور و به نور فهم و درک [درست] گرامی ام
بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علمت را برایمان باز کن،
به حق رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان!)

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۹۲۸، محمد محسن فیض کاشانی، خلاصة الاذکار و اطمنان القلوب، کتاب الکترونیکی، ص ۱۹۳، به نقل از: بازار کتاب قائمیه.



سرشناسه	: نیلی پور، مہدی، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: حاضران بہ غایبان برسانند/مہدی نیلی پور.
مشخصات نشر	: مشہد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاہری	: ۸۸ ص.: مصور (رنگی)، ۱۹ × ۱۲ س.م.
شابک	: رایگان 9-20-6090-622-978:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامہ: ص. ۸۳.
موضوع	: غدیر خم
موضوع	: Ghadir
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
ردہ بندی کنگرہ	: ۱۳۹۷ ح ۲/۵/۹۲ BP۲۲۳
ردہ بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۵۲
شمارہ کتابشناسی ملی	: ۵۲۹۰۷۹۵



عنوان: حاضران بہ غایبان برسانند

نویسنده: مہدی نیلی پور

بہ سفارش: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

ویراستار ویرایش دوم: زینب سادات حسینی و انسبہ غلامرضا پور

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرویان حسینی

طراح جلد: سید حسن موسی زادہ

صفحه آرا: عباس پرچمی

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

چاپخانہ: مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نویت چاپ: دوم، تابستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰۰۰

نشانی: مشہد، حرم مطہر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی،

بعد از باب الہادی علیہ السلام، پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست



۳۱	دوم. رسالت عملی	۴	مقدمه
۳۳	غدیرستیزان	۶	تعریف غدیر خم و واقعه نگاری ابلاغ آن
۳۵	۱. منافقین منصب طلب	۷	جدول واقعه نگاری ابلاغ غدیر
۳۷	۲. قائلین به جدایی سیاست از دینان	۹	سند خطبه غدیر
	حکومت ولی فقیه؛ استمرار جریان غدیر	۱۲	عید سعید غدیر در آینه کلام رضوی
۴۵	در دوران غیبت	۱۶	پیام های غدیر و خطبه غدیر
	غدیر خم و تبیین اندیشه راهبرد	۱۹	غدیر؛ معرفی انسان ۲۵۰ ساله شایسته امامت
۴۹	تاریخی سیاسی شیعه	۲۱	۱. شیوه تعبّدی
	غدیر خم؛ معرفی پیشوايي معصومانه	۲۳	۲. شیوه تعلّلی
۵۹	به درازای تاریخ	۲۵	۳. شیوه تبشیری و اندازی
۶۳	آیات الولاية در خطبه غدیریه	۲۶	غدیر باوران و غدیر یاوران
۷۷	کتابنامه	۳۰	رسالت غدیریان
۸۰	مسابقه فرهنگی	۳۰	اول. رسالت علمی و معرفتی



مقدمه

پس از روز مبعث پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، روز عید غدیر خم است؛ همچنان که در عید مبعث، رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف خداوند به رسالت برانگیخته شدند، روز غدیر هم روزی است که حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام از طرف خداوند کریم، برای امامت و ولایت بر مؤمنین منصوب شدند و در واقع، این روز، سرآغاز امامت و ولایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

غدیر خم و قهرمان آن، بیش از آنکه حامی و دوست داشته باشد، دشمنان متنوع و متکثر دارد؛ چرا که تمامی جبهه شیطان و طاغوت‌ها در هر عصر و مصری، در برابر حقیقت غدیر صف کشیده‌اند و با انواع دسیسه‌ها و راهبردها و راهکارها، درصدد جلوگیری از رسیدن پیام این واقعه به انسان‌ها و نسل‌های بعدی هستند. این دشمنی‌ها، رسالت بزرگی را بر دوش غدیرباوران می‌گذارد تا با مجاهدتی خستگی‌ناپذیر در عرصه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی، در کنار کار معرفتی و عملی، در تحقق بخشیدن به آرمان‌های والای غدیر و احقاق حقوق به‌تاراج‌رفته اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در طول تاریخ بکوشند.





امروزه، غدیرپاوری به معنای کوشش برای دین‌داری فردی و همت‌گماردن برای اجرای حداکثری احکام دین، حمایت از عالمان وارسته دین و حکومت ولّی فقیه و بالاخره انتظار و استغاثه برای فرج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح و تشکیل حکومت واحد جهانی بر مبنای نظام امامت است. کتاب حاضر مروری است بر خطبه غدیر پیامبر و الامقام اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در آن، دوازده موضوع اساسی این خطبه واکاوی شده است. این نوشتار، به سفارش معاونت تبلیغات آستان قدس رضوی و به مناسبت عید غدیر خم، در سال ۱۴۳۷ق تهیه و حضور شما بزرگواران تقدیم می‌شود. امید آنکه خداوند همه ما را از غدیرباوران صادق و مجاهد و جرعه‌نوش کوثر ولایت قرار دهد.

مهدی نیلی‌پور

ذی حجه ۱۴۳۷، شهر یور ۱۳۹۵





تعریف غدیرخم و واقعه‌نگاریِ ابلاغ آن

غدیر در زبان عربی به آبگیر یا آبی گویند که از خود، سیلی به جا می‌گذارد.^۱

خم سرزمینی است میان مکه و مدینه، در نزدیکی جُحفه^۲ که آبگیر غدیر در آن واقع شده است.^۳

سرزمین غدیرخم در ۲۵ کیلومتری جنوب شرقی رابغ^۴ و در فاصله ۲۵ کیلومتری شهر مکه قرار دارد. این مکان، در واقع چهارراهی است که حاجیان اهل سرزمین‌های مختلف، پس از بازگشت از حج، در آنجا از هم جدا می‌شوند. غدیرخم از شمال به مدینه، از شرق به عراق، از غرب به مصر و از جنوب به یمن منتهی می‌شود و امروزه، سرزمینی متروکه است.

به دلیل عظمت واقعه غدیر، مسلمانان و به‌ویژه شیعیان، در این مکان مسجدی به نام مسجد غدیر بنا کرده بودند. در دهه‌های گذشته، این مسجد به دست دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام تخریب شده و اکنون جزویرانه‌ای از آن باقی نمانده است.

۱. خلیل جر، فرهنگ لازوس، ترجمه سیدحمید طبیبیان، ج ۲، ص ۱۵۱۸.

۲. جحفه از مواقیت پنجگانه احرام است که آنانی که می‌خواهند از راه شام، مصر، مغرب و جده به مکه بروند، می‌توانند در آنجا مُحَرَّم شوند.

۳. محمدبن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۲۳.

۴. رابغ سرزمینی است بین ابواء و جحفه.





جدول واقعه نگاریِ ابلاغ غدیر

ابلاغ کننده آسمانی	خدای متعال، توسط جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام
ابلاغ کننده زمینی	شخصیت اول ماجرای غدیر، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
موضوع ابلاغ	معرفی علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام و یازده امام پس از او عَلَيْهِمُ السَّلَام به عنوان جانشینان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
مکان ابلاغ	سرزمین خم در کنار غدیر و آبگیر، میان راه مکه به مدینه، در نزدیکی جحفه
زمان ابلاغ	پس از حجة الوداع، پنجشنبه، ۱۸ ذی حجه سال دهم هجری
مخاطبان حضوری ابلاغ	حج گزاران از سرتاسر عالم اسلام
تعداد مخاطبان حاضر در غدیر	بیش از صدهزار نفر





تعداد کل مخاطبان	همهٔ انسان‌ها در طول تاریخ، بر اساس درخواست پیامبر اسلام ﷺ برای رساندن پیام غدیر به غایبان و نسل‌های بعد: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» ^۱
هدف ابلاغ	تثبیت حکومت اسلامی با معرفی امام و خلیفهٔ پیامبر اکرم ﷺ
چگونگی ابلاغ	۱. به‌پاکردن منبری بزرگ از چهار شترها؛ ۲. ایراد خطبه‌ای مفصل؛ ۳. معرفی امیرالمؤمنین علی عليه السلام و سلسلهٔ امامت، به‌عنوان پیشوایان دین با تمام اختیارات پیامبر اکرم ﷺ
شیوهٔ تثبیت ابلاغ	دعوت از حاضران برای بیعت با امیرالمؤمنین علی عليه السلام





سند خطبه غدیر

در علم‌الحديث، پیش از بررسی و پیام‌گیری و بهره‌برداری از متن و معنای حدیث، لازم است سند و اعتبار آن سنجیده و ارزیابی شود؛ از این رو، ابتدا باید سند خطبه غدیریۀ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بررسی شود. صحت سند خطبه غدیر را از سه راه می‌توان اثبات کرد:

۱. بررسی محتوای خطبه غدیر و واکاوی صحت و سقم مطالبش، از راه تطبیق دادن آن با وقایع تاریخی و گزارش‌های مورخان: برای نمونه، اگر در خطبه غدیر، برای اثبات موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آیه سوم سوره مبارکه مائده استفاده شده است، می‌توان با مراجعه به نظر مفسران و شأن نزول این آیه، میزان صحت آن را بررسی کرد یا اگر در این خطبه فضایی مانند اولین مسلمان بودن و اولین مجاهد راه خدا بودن، به امیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت داده شده است، می‌توان این ویژگی‌ها را با مراجعه به دلایل تاریخی، در ترازوی سنجش قرار داد؛ آنگاه درباره صحت و سقم و سندیت خطبه غدیر به قضاوت نشست.

۲. مراجعه به نقل‌های متواتر تاریخی حدیث غدیر که راویان در طول قرن‌های متمادی گزارش کرده‌اند: راویان این نقل‌ها، به بخش‌هایی از خطبه





غدیریه پرداخته‌اند که به صورت اجمالی، مؤید صحت این خطبه است. حضرت آیت الله سبحانی (حفظه الله تعالی) در کتاب ارزشمند فروغ ولایت فرموده‌اند:

در اهمیت این رویداد تاریخی، همین اندازه کافی است که حدود ۱۱۰ نفر صحابی، حدیث غدیر [یعنی اتفاقی که در حجة الوداع افتاده است و اعلام خبر امامت علی بن ابی طالب (علیه السلام)] را نقل کرده‌اند؛ البته این مطلب به معنای آن نیست که از آن گروه زیاد، تنها همین افراد حادثه را نقل کرده‌اند؛ بلکه تنها در کتاب‌های دانشمندان اهل تسنن نام ۱۱۰ تن به چشم می‌خورد. درست است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سخنان خود را در اجتماع صدهزار نفری القا کرد؛ ولی گروه زیادی از آنان از نقاط دوردست حجاز بودند و از آنان حدیثی نقل نشده است. گروهی از آنان نیز که این واقعه را نقل کرده‌اند، تاریخ، موفق به درج آن نشده است و اگر هم درج کرده، به دست ما نرسیده است.

در قرن دوم هجری که عصر تابعان است، ۸۹ تن از آنان، به نقل این حدیث پرداخته‌اند. راویان حدیث در قرن‌های بعد، همگی از علما و دانشمندان اهل تسنن هستند و ۳۶۰ تن از آنان این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند و گروه زیادی به صحت و استواری آن اعتراف کرده‌اند.

در قرن سوم، ۹۲ دانشمند؛ در قرن چهارم، ۴۳ دانشمند؛ در قرن پنجم، ۲۴ دانشمند؛ در قرن ششم، ۲۰ دانشمند؛ در قرن هفتم، ۲۱ دانشمند؛ در قرن هشتم، ۱۸ دانشمند؛ در قرن نهم، ۱۶ دانشمند؛ در قرن دهم، ۱۴ دانشمند؛ در قرن یازدهم، ۱۲





دانشمند؛ در قرن دوازدهم، ۱۳ دانشمند؛ در قرن سیزدهم، ۱۲ دانشمند و در قرن چهاردهم، ۲۰ دانشمند این حدیث را نقل کرده‌اند. گروهی نیز تنها به نقل حدیث اکتفا نکرده‌اند؛ بلکه درباره مفاد آن مستقلاً کتاب‌هایی نوشته‌اند.

طبری، مورخ بزرگ اسلامی، کتابی به نام *الولاية في طريق حديث الغدير* نوشته و این حدیث را از بیش از هفتاد طریق از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.

ابن عقده کوفی در رساله ولایت، این حدیث را از ۱۰۵ تن نقل کرده است. ابوبکر محمد بن عمر بغدادی، معروف به جعانی، این حدیث را از ۲۵ طریق نقل کرده است. تعداد کسانی که مستقلاً پیرامون خصوصیات این واقعه تاریخی کتاب نوشته‌اند، [نیز] ۲۶ نفر است.

دانشمندان شیعه درباره این واقعه بزرگ کتاب‌های ارزنده‌ای نوشته‌اند که جامع‌تر از همه، کتاب تاریخی *الغدير* است که به خامه توانای نویسنده نامی اسلامی، علامه مجاهد، مرحوم آیت الله امینی، نگارش یافته است.^۱

۳. نقل عین خطبه غدیر از سوی محدثان برجسته: این خطبه را محدثان بزرگواری نقل کرده‌اند؛ از جمله: طبرسی در *الإحتجاج*، جلد ۱، صفحه ۵۵ و سید بن طاووس در *إقبال الأعمال*، جلد ۱، صفحه ۵۶ و علامه مجلسی در *بحار الانوار*، جلد ۳۷، صفحه ۲۰۴.^۲

۱. جعفر سبحانی تبریزی، فروغ ولایت، ص ۱۴۱ و ۱۴۲؛ به نقل از: کتابخانه دیجیتال قائمیه.

۲. برای توضیح و تحقیق بیشتر، به درگاه اینترنتی خطابه غدیر، بخش ویکی خطابه که به تطبیق عبارات خطبه غدیر با احادیث مشابه دیگر پرداخته است و نیز قسمت پاسخ به سوالات در موضوع سند خطبه غدیر مراجعه فرمایید؛ همچنین می‌توانید به درگاه اینترنتی تبیان در موضوع مدارک متن کامل خطبه غدیر مراجعه کنید.



عید سعید غدیر در آینه کلام رضوی

در روایات اهل بیت علیهم السلام برای عید سعید غدیرخم، بیش از پنجاه ویژگی ذکر شده است که در اینجا به بیان دوازده نمونه آن‌ها در کلام امام رضا علیه السلام بسنده می‌کنیم.

نام‌های دیگر عید غدیر	متن روایت
۱. عید بزرگ خدا	«...وَّيَوْمٌ... الْعِيدِ الْأَكْبَرُ.» ^۱ ([غدیر] روز... عید بزرگ است.)
۲. روز به خاک مالیده شدن چهره شیطان	«...وَّيَوْمٌ مَرَعَمَةِ الشَّيْطَانِ.» ^۲ (این روز، روز به خاک مالیده شدن چهره شیطان است.)
۳. روز تبسم بر چهره مردم	«وَهُوَ يَوْمُ التَّبَسُّمِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.» ^۳ (این روز، روز تبسم بر چهره مردم است.)
۴. روز زینت و آراستگی	«وَهُوَ يَوْمُ الزَّيْنَةِ.» ^۴ (این روز، روز زینت و آراستگی است.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۵.

۴. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.



۵. روز راهنمایی و هدایت	«هَذَا يَوْمُ الْإِزْشَادِ» ^۱ (این روز، روز راهنمایی و هدایت است.)
۶. روز اطعام و مهمانی دادن	«وَهُوَ يَوْمٌ... مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا كَانَ كَمَنْ أَطْعَمَ جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ» ^۲ (این روزی است که... هرکه در آن، مؤمنی را اطعام کند، مانند آن است که همه پیامبران و صدیقین را اطعام کرده است.)
۷. روز صلوات	«وَهُوَ... يَوْمُ إِكْثَارِ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» ^۳ (این روز... روز زیاد صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد ﷺ است.)

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۳.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.



«هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَ أَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ الْبَعْثَةَ.» (این روز، روزی است که خدا در آن، دین را کامل و نعمت را بر امت من تمام کرد.)	۸ و ۹. روز کامل شدن دین و اتمام نعمت
«هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَبْدَ فِيهِ وَ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَ نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ.»^۲ (این روز، روزی است که خداوند بر حُسن حال بنده‌ای که در آن روز خدا را عبادت کرده و برای خود و خانواده و برادران دینی‌اش گشایش ایجاد کند، می‌افزاید.	۱۰. روز فزونی بخشی
«وَ هُوَ... يَوْمُ نَشْرِ الْعِلْمِ.»^۳ (این روز... روز نشر دادن دانش است.)	۱۱. روز انتشار علم

۱. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۶.

۲. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.

۳. علی بن موسی بن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۴۶۴.





«وَهُوَ يَوْمُ التَّهْنِيتِ يَهْتَى بَعْضُكُمْ
بَعْضًا فَإِذَا لَقِيَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ يَقُولُ:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ
الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَام»^۱

۱۲. روز تهنیت و شادباش

(این روز، روز تهنیت‌گفتن است که
برخی از شما باید به برخی دیگر
تبریک و تهنیت گویند؛ پس چون
مؤمنی برادرش را ملاقات کرد،
بگوید: «ستایش خدایی را که
ما را از تمسک‌کنندگان به ولایت
امیرمؤمنان و امامان علیهم‌السلام قرار داد.»)



پیام‌های غدیر و خطبه غدیر

از خطبه غدیر می‌آموزیم:

- امامت امتداد خط رسالت است.
- امامت همچون نبوت، مسئله‌ای غیبی، آسمانی، وحیانی و انتصابی است.
- امامت موجب صیانت از قرآن و دیانت است.
- نظام امامت تمام‌کننده دیانت است.
- امامت کامل‌کننده امر رسالت است.
- پیوند با امامت، شرط اصلی دیانت است.
- بریدن از امامت، سبب استیلای شرک و نفاق است.
- پیروی از ولایت و پذیرش امامت، خواسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.
- غدیر خم گره‌زدن امر رسالت به مسئله امامت است.
- غدیر معرفی انسان ۲۵۰ ساله معصوم، برای هدایت بشر است.
- غدیر پیامی هدایت‌ساز برای دوران غیبت است.
- غدیر تجلی مستمر هدایت است.
- سرپیچی از راه غدیر، سقوط در چاه ضلالت است.
- ولایت قلب‌تپنده دیانت است.





از واقعه غدیر می آموزیم:

- امامت جریانی صالح در بستر تاریخ برای هدایت انسان هاست.
- غدیر خم معرفی آغاز و انجام امامت است.
- مهم ترین پیام غدیر برای نسل امروز، پیام مهدویت است.
- مهم ترین درخواست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بیعت مردم با نظام امامت است.
- غدیر خم طلیعه معرفتی سلسله طیبه امامت، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است.
- قرآن و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دو گوهر و دو یادگار و دو امانت رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند.
- منافقان کینه ورزان نظام امامت و ولایت اند.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خدا برای مخالفان علی علیه السلام جز لعن و نفرین، چیزی نخواستند: «عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ... مَنْ خَذَلَهُ.»
- سفارش به ولایت و امامت، جزو آخرین سفارشات رسول معظم صلی الله علیه و آله و سلم است.
- دین بدون حکومت و ولایت، دینی ناقص و ناکارآمد است.
- ابلاغ پیام غدیر خم، وظیفه ای همگانی و برای همه نسل ها و عصرهاست.





- ابلاغ پیام غدیرخم، کاری پیامبرگونه است.
- امامت همان بیعت با ولایت است و ولایت همان سیاست پاک و معصومانه.
- از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سیاست عین دیانت است و از دیدگاه اهل سقیفه، سیاست غیر دیانت.
- حاکمیت اُمویان و عباسیان، هزینه‌های جبران ناپذیر جدا کردن امام از حوزه سیاست است.
- اصلی‌ترین پیام غدیر، جدایی ناپذیری سیاست از دیانت است.
- مهم‌ترین اثر غدیر، هم‌افزایی قدرت دو حوزه دیانت و سیاست است.
- سرسخت‌ترین دشمن طرح اجرایی غدیر و ولایت، منافقینِ تشنه قدرت‌اند.





غدیر؛ معرفّی انسان ۲۵۰ ساله شایسته امامت

غدیرخم یا همایش بزرگ تاریخی امامت، روز معرفّی چهره‌های تابناک و شایسته‌ای است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لیاقت بهره‌مندی از ولایت معنوی و سیاسی و اجتماعی و دینی بر مردم را دارند. در روز غدیرخم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انسان ۲۵۰ ساله‌ای^۱ را معرفّی کردند که در مقاطع مختلف تاریخ، رهبری امت اسلامی را برعهده دارد و امت اسلام باید با او دست بیعت دهد و از او پیروی کند.

شایستگی‌های اهل بیت علیهم السلام تا به آن حد با عظمت و بی‌شمار است که نه فقط غدیر، افتخار و شرافت آنان حساب نمی‌شود، بلکه ایشان، سبب ایجاد واقعه غدیر و موجب افتخار و شرافت بخشیدن به آن هستند. امام خمینی ره در این باره فرموده‌اند:

مسئله غدیر، مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله‌ای پیش بیاورد؛ حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد. آنچه ارزش دارد، خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است. خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را به

۱. اشاره به تعبیر زیبایی که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) آن را برای سلسله امامت به کار برده‌اند و کتابی هم با همین عنوان منتشر شده است.





آن طوری که باید انجام بدهد [و] آن طوری که دلخواه است، انجام بدهد، مأمور می‌کند رسول‌الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کن. نصب حضرت امیر به خلافت، این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد. [از] مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود و اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا، این غدیر را آن قدر از [آن] تجلیل کرده‌اند، نه از باب این [است] که حکومت یک مسئله‌ای است؛ [نه] حکومت آن است که حضرت امیر به ابن عباس می‌گوید که: «به قدر این کفش بی‌قیمت هم پیش من نیست!»^۱ آنچه هست، اقامه عدل است. آن چیزی که حضرت امیر علیه السلام و اولاد او می‌توانستند در صورتی که فرصت به ایشان بدهند، [انجام بدهند] اقامه عدل [است]... به آن طوری که خدای تبارک و تعالی رضا دارد...؛ لکن فرصت نیافتند.^۲

بخش زیادی از خطبه غدیریّه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، درباره تبیین و معرفی شخصیت بی‌بدیل حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگر پیشوایان دین و بیان شایستگی‌های والای معصومین علیهم السلام در تصدّی مقام امامت و رهبری امت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین علیهم السلام بودند:

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۳۳.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.





۱. شیوه تبعدی

در این روش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بهره‌گیری از آیات قرآن، به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم می‌پردازند؛ برای نمونه فرمودند:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيكَ عِنْدَ تَبْيَانِي
ذَلِكَ وَ نَصِيَّ إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَثْمَمْتَ
عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِيتَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً فَقُلْتُ ﴿وَمَنْ يَنْتَبِعْ
غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِيناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۱
اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.^۲

پروردگارا، تو این فرمان را بر من نازل فرمودی که پیشوایی و امامت بعد از من، به ولی تو علی علیهما السلام اختصاص دارد و من نیز این موضوع را بیان کردم و او را به این مقام منصوب کردم تا به این سبب، دینت را برای بندگان کامل ساختی و نعمت را برایشان تمام کردی و و راضی شدی که اسلام دین آنان باشد که خود فرموده‌ای: «و هرکه از دینی غیر از اسلام پیروی کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیان‌کاران است.» پروردگارا، تو را گواه می‌گیرم و تو را این شهادت بس که من تبلیغ خود را انجام دادم.

وَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ
النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۳ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَرْتُ

۱. آل عمران، ۸۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

۳. مائده، ۶۷.





عَنْ تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ وَ أَعْلِمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَ أَحْمَرَ وَ أَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّيَّ وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ^۱.

و به من چنین وحی فرموده است: «به نام خداوند بخشایشگر مهربان. ای پیامبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد، [به مردم] ابلاغ کن که اگر این کار را نکنی، رسالت او را ابلاغ نکرده‌ای و خدا تو را از مردم محفوظ خواهد داشت.» ای گروه مردم، من در تبلیغ آنچه خداوند بر من نازل فرمود، کوتاهی نکردم و سبب نزول این آیه را برایتان بیان می‌کنم: بدانید که جبرئیل علیه السلام سه بار به حضور من آمد و از سوی پروردگار من که اصل و مایه سلام است، به من امر کرد که در این مکان به پا خیزم و به همه افراد، هر سفید و سرخ و سیاهی، اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر و وصی و جانشین و امام بعد از من است که منزلت و جایگاه او نسبت به من، منزلت و جایگاه هارون نسبت به موسی است؛ جز اینکه پس از من پیامبری نیست و پس از خدا و رسول خدا، او [یعنی علی] ولی شماست.

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْخَزَرِ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ مَاضٍ

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۲.





حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ^۱. ... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِلَيَّ أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ^۲.

پس ای گروه مردم، بدانید که خداوند او [یعنی علی عَلَيْهِ السَّلَام] را منصوب کرد تا بر شما ولّی و امام باشد و اطاعت او را به نیکویی بر تمام گروه‌های مهاجر و انصار و تابعین آنان و بر حاضر و غائب و عرب و عجم و آزاد و عبد و کوچک و بزرگ و بر سفید و سیاه و هر خداپرست، واجب فرموده است. فرمان او درخور اجرا و سخنش مقبول و امرش نافذ است. ... ای مردم، همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می‌سپارم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجت است برای هر حاضر و غایب.

۲. شیوه تعقلی

در روش تعقلی، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با استفاده از راهکار اقناعی و بیان فضایل و ویژگی‌های منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام و دیگر پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و نیز با توجه به قاعده ترجیح راجح بر مرجوح و فاضل بر مفضول، زمینه پذیرش عقلایی امامت حضرات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را فراهم آوردند. برخی از ویژگی‌های امیرالمؤمنین و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام از زبان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عبارت است از:

۱.۲. علی عَلَيْهِ السَّلَام اول مؤمن به خدا و رسالت رسول او و فدایی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

۱. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.

۲. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعطين، ج ۱، ص ۹۶.





بِنَفْسِهِ.»^۱ (او اولین کسی بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و خود را فدای رسول خدا ﷺ کرد.)

۲.۲. علی عليه السلام بهترین یاور و عزیزترین و نزدیکترین و سزاوارترین فرد به رسول خدا ﷺ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَنصُرْكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ.»^۲ (ای مردم، این علی است: یاورترین فرد از میان شما برای من و سزاوارترین شما به من و نزدیکترین و عزیزترین فرد نزد من و خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم.)

۳.۲. علی عليه السلام یاور دین، باتقوا، پاک، هدایتگر، هدایت‌پذیر و بهترین جانشین: «مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيَّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بُنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.»^۳ (ای مردم، او کمک‌کار دین خدا و مدافع رسول خداست و او پرهیزکار، پاک‌سرشت، هدایت‌کننده و هدایت‌شده است. پیامبر شما بهترین پیامبران و وصی او بهترین اوصیا و فرزندان او بهترین جانشینان اند.)

۴.۲. علی عليه السلام وصف‌شده به صبر و شکر: «إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُؤْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ.»^۴ (همانا علی کسی است که به صبر و شکرگزاری توصیف شده است.)

۵.۲. علی عليه السلام وصی پیامبر ﷺ و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف انتقام‌گیرنده از ستمگران: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۰۸.

۲. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

۳. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.

۴. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.





أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ الشَّرِكِ.^۱ (ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. بدانید که خاتم امامان، مهدی قائم، از ماست. اوست که دین را آشکار می‌کند [یعنی در دین مسلط و قاهر است] و از ستمگران انتقام می‌گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست و اوست که تمام فرقه‌های مشرکان را شکست می‌دهد.)

۳. شیوه تبشیری و اندازی

در این روش، رسول خدا ﷺ با بشارت به پاداش بزرگ ولایت‌مداری و اعلام خطر و عذاب برای ولایت‌گريزان، درصدا اثبات امامت شایستگان هستند و می‌فرمایند:

۱.۳. «مَعَاشِرَ النَّاسِ أُنْذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ.»^۲ (ای مردم، شما را بیم می‌دهم که من فرستاده خدا هستم که پیش از من نیز فرستادگانی بوده‌اند.)

۲.۳. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَابِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحِمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى وَ ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنُكْثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾.»^۳ (ای گروه مردم، از خدا پروا کنید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان بیعت کنید که سخن پاکیزه و پایدارند و بدانید خداوند پیمان‌شکنان را هلاک می‌کند و وفاداران را مشمول رحمتش قرار می‌دهد؛ «پس هرکه پیمان بشکند، جز این نیست که به زبان خویش می‌شکند و هرکه بر عهد خود با خدا وفادار بماند، به‌زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.»)

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۷.

۲. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.

۳. فتح، ۱۰.

۴. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۶.



غديرباوران و غديرباوران

از آغازين روز اعلام رسمي امامت اميرالمؤمنين علي عليه السلام، انسان هاي سليم النفس و پاكي كه فطرت هايي الهي و ولايي داشتند، سخن وحياني پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله درباره جانشيني اميرالمؤمنين عليه السلام را به عنوان اندیشه‌اي ديني و باوري الهي، در ذهن و دل خویش تثبیت کردند و با بيعت صادقانه با حضرت علي عليه السلام و پذيرش ولايت و سرپرستي آن حضرت، در گروه غديرباوران جای گرفتند. در حقيقت، غديرباوران کسانی هستند كه پيام غدير را به روشني دريافته اند و موانع دروني مانند كبر، كينه، نفاق و حسادت و نيز موانع تبليغاتي بيروني مخالفان ولايت و جبهه شياطين، آن ها را از دريافت اين پيام باز نداشته است.

هرچند در طول تاريخ، شمار غديرباوران اندك بوده است، همه آن ها شخصيت هايي تأثيرگذار و برجسته بوده اند.

از آنجا كه پيام غدير، فقط به حوزه اعتقادي و قلبي محدود نمي شود و با حكومت و سياست هم مرتبط است، در كنار غديرباوري، غديرباوري نيز شرط ديگر دريافت كامل پيام غدير است. غديرباوران انسان هايي شجاع و زمان شناس و با بصيرت هستند كه در ياري اميرالمؤمنين و





دیگر پیشوایان دین علیهم السلام، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند و با بیعت با ائمه زمان خویش حاضرند از مال و جانشان برای تحقق اهداف والای نظام امامت بگذرند.

در دوره امیرالمؤمنین علیه السلام غدیرباوران غدیریاور علاوه بر وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام و خاندان رسالت، افرادی مانند سلمان، ابوذر، مالک اشتر و عمار یاسر بودند؛ اما در مقاطع بعدی، با عظمت‌ترین و نام‌آورترین غدیرباوران در طول تاریخ، همان اصحاب سیدالشهداء علیهم السلام بودند که در حرکتی حماسی و نهضتی ماندگار، با ارائه الگویی تمام‌عیار، غدیریاوری را در دفتر تاریخ ثبت کردند.

پس از آنان، همه مصلحان و مجاهدان و شهدای دوستدار اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ، از غدیرباوران و غدیریاوران هستند که برای دفاع از ولایت در میدان عمل قدم گذاشته و با تلاش برای ترویج حاکمیت مکتب اهل بیت علیهم السلام، تا آخرین نفس فداکاری و جانفشانی کرده‌اند. از جمله ایشان می‌توان به شهدای راه فضیلت، یعنی علمای راستین و مجاهدان خستگی‌ناپذیر اشاره کرد که در دفاع علمی و عملی از ولایت، سنگ تمام گذاشته‌اند. این گروه وفادار همان کسانی‌اند که از دعای مستقیم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیریه فرمودند: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ اَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.»^۱ (خدایا، دوست بدار هرکه او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکه او را دشمن بدارد و یاری کن هرکه او را یاری کند و واگذار هرکه او را واگذارد و دست از یاری‌اش بردارد!)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جای‌جای خطبه غدیر، از غدیرباوران و غدیریاوران با تعابیر گوناگون یاد کرده‌اند:

۱. محمدبن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۷۶.





۱. «فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا... مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ مُؤْمِنٌ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.»^۱ (پس ای گروه مردم، بدانید که خداوند متعال او [یعنی علی علیه السلام] را بر شما ولی و امام قرار داده است... هرکه با او مخالفت کند، ملعون است و هرکه از او پیروی کند، مشمول رحمت خداست و هرکه او را تصدیق کند و به او گوش بسپارد و از او اطاعت کند، مشمول غفران خداوند می شود).

۲. «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضْلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.»^۲ (ای گروه مردم، او [یعنی علی علیه السلام] را برتری دهید که خدا او را برتر قرار داده است و او را بپذیرید که خدا او را [به امامت] منصوب کرده است.)

۳. «لَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقَىٰ وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُّخْلِصٌ.»^۳ (ولایت علی علیه السلام را نمی پذیرد، مگر انسان باتقوا و به او ایمان نمی آورد، مگر مؤمن باخلاص.)

۴. «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ وَعَلَيْهِ الْأَمْرُ وَالتَّهْيُّ مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ وَصِيْرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا بَيْنَكُمُ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.»^۴ (ای مردم، همانا خداوند به من امر و نهی کرده است و من نیز علی را امر و نهی کرده ام و بر علی است که از جانب خدای عز و جل فرمان دهد و باز دارد؛ پس فرمانش را گوش داده و از نهی او باز ایستید و طبق خواسته او حرکت کنید و راه های گوناگون، شما را از پیمودن راه او باز ندارد و پراکنده نکند.)

۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.

۲. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰؛ محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۳.

۳. علی بن موسی بن طاووس، التحصین لأسرار ما زاد من أخبار کتاب الیقین، ص ۵۸۵.

۴. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶؛ احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.





۵. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾»^۱ (و همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند] همان مؤمنانی هستند که خداوند در کتاب خود، از آنان یاد کرده و فرموده است: «[ای رسول] هرگز گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند، نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول او دوستی کنند.»

۶. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾»^۲ (همانا دوستداران ایشان [یعنی آنان که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارند] کسانی هستند که خدای عز و جل درباره آنان فرموده است: «بدون حساب وارد بهشت می شوند.»)

۱. مجادله، ۲۲.

۲. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.

۳. غافر، ۴۰.

۴. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۷؛ احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۳.



رسالت غدیریان

رسول گرامی اسلام ﷺ دربارهٔ رسالت مردم در قبال واقعۀ غدیر فرموده‌اند: «فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۱ (پس باید تا روز قیامت [پیام امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی عليه السلام] را [شاهد به غایب و پدر به فرزند برساند].)

مراد از غدیریان، آن دسته از دریافت‌کنندگان پیام غدیرند که این حقیقت ماندگار را با جان و دل پذیرفته‌اند؛ یعنی علی باوران علی‌یاور و طرف‌داران نظام شایستهٔ امامت و ولایت که به اهل بیت عليهم السلام و مکتب آسمانی ایشان وفادارند. غدیریان به‌طور کلی دو رسالت تاریخی برعهده دارند:

اول. رسالت علمی و معرفتی

این رسالت که بیشتر ناظر به تلاش‌های علمی و معرفتی است، شامل چند حرکت می‌شود:

۱. معرفت‌شناسی امام و نظام امامت و اعتقاد به جدایی‌ناپذیری دین از سیاست؛

۱. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.



۲. معرفت‌شناسی غدیر به‌عنوان جریانی تاریخی؛

۳. شناخت و شناساندن دلایل قرآنی و روایی واقعه غدیر، به‌ویژه خطبه غدیریّه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛

۴. رساندن پیام اصلی غدیر، یعنی کفر به طاغوت‌های زمانه و دفاع از دیانت آمیخته با سیاست پاک، به دیگران.

دوم. رسالت عملی

رسالت عملی غدیریان در ابعاد مختلف تعریف می‌شود و هریک از این ابعاد، خود شامل چند وظیفه است که در زیرمجموعه آن بیان می‌شود:

۱. رسالت فردی

- الف. مطالعه دقیق واقعه غدیر و خطبه غدیریّه؛
- ب. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی، با برگزیدن سبک زندگی علوی؛
- ج. بزرگداشت واقعه غدیر در زندگی شخصی، با عطرزدن، استفاده از لباس نو، ابراز شادی و... در این روز؛
- ه. نوشتن کتاب و مقاله و سرودن شعر و خلق آثار هنری متناسب با واقعه غدیر؛
- و. مطالعه و نشر فضایل امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام.

۲. رسالت خانوادگی

الف. ابلاغ پیام غدیر به اعضای خانواده؛





ب. بزرگداشت عید سعید غدیر در میان خانواده و خویشان، با برپایی جشن‌های خانوادگی به این مناسبت و شادکردن اطرافیان با اهدای هدیه، اطعام، چراغانی و آذین‌بندی و خواندن عقد اخوت.

۳. رسالت اجتماعی

- الف. برپایی جشن‌های باشکوه عید سعید غدیر در سطح جامعه؛
- ب. شادکردن عموم مردم با اجرای برنامه‌هایی چون اطعام و آذین‌بندی خیابان‌ها و اهدای هدیه به ویژه کتاب‌هایی درباره واقعه غدیر به دیگران؛
- ج. تبلیغ و فرهنگ‌سازی عمومی برای شناخت پیام واقعه غدیر؛
- د. تلاش عملی برای حاکمیت بخشی احکام اسلام؛
- ه. تقویت روحیه انتظار و استغاثه برای تعجیل در ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل حکومت جهانی امامت؛
- و. دفاع عملی از حاکمیت نظام ولایت فقیه و حکومت‌های عادل در دوران غیبت.





غديرستيزان

پيام اصلی غدير، روی کار آمدن دولتی با ساختار سياسي ولايي و دينی، به رهبري امامانی معصوم است. از همان آغاز اعلام رسمی امامت اميرالمؤمنين عليه السلام در غدير خم، برای از بين بردن اين پيام الهی، مخالفت‌هایی آشکار و پنهان در ابعاد فرهنگی، تبليغی، سياسي، اجتماعی و حتی نظامی شکل گرفت.

گام نخست غديرستيزی، با غصب فدک، غصب ۲۵ ساله خلافت، به شهادت رساندن حضرت زهرا عليها السلام جلوگیری از نشر احاديث اهل بيت عليهم السلام تحمیل سه جنگ خانمان سوز جمل و صفين و نهروان به اميرالمؤمنين عليه السلام به شهادت رساندن امام مجتبی عليه السلام و سبب سازی برای فاجعه عاشورا و نسل‌کشی از ذريه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شروع شد که نتیجه این دسيسه‌های دامنه‌دار، به قدرت رسيدن بنی‌اميه و بنی‌عباس و ديگر ناصالحان و حکومتشان بر امت اسلام شد.

غديرستيزان در شکل‌های گوناگون و در قالب مکاتب فکری و گروه‌های سياسي و اجتماعی و نظامی مختلف، اما با هدفی مشترک که همان سلب حق حاکميت سياسي اهل بيت عليهم السلام و حاکمانی عادل در عصر غيبت است، به رویارویی با نظام امامت پرداختند. قطعاً، اين حرکت





و ستیز آن‌ها، برای امت اسلام با تأثیرات منفی و پیامدهای مخرب فراوانی همراه بوده است. در همین راستا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیریّه، مخالفان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و غدیرستیزان را به انواع بلاها و غضب الهی و عذاب‌های اخروی تهدید کرده‌اند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ.^۱

ای گروه مردم، او از جانب خدا امام است و خدا توبه منکر ولایت او را نمی‌پذیرد و بهیقین چنین کسی را نمی‌آمرزد و بر خداست که این‌گونه رفتار کند با کسی که با دستورش درباره‌ی مخالفت کند و بر خداست که به شدت و تا ابد، چنین کسی را عذاب کند؛ پس از مخالفت با علی دوری کنید!

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَتَى بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَ لَمْ يُؤَافِقْهُ... فَ﴿لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ﴾^۲ أَنْ تُخَالِفُوهُ ﴿فَتَزَلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا﴾^۳ ﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾^۴... مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أئِمَّةٌ ﴿يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ﴾ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمُ.^۵

ای گروه مردم! علی را برتری دهید که او پس از من، از هر مرد و زنی برتر است. خداوند به واسطه‌ی ما روزی فرومی‌فرستد و خلق را باقی می‌دارد. نفرین شده است، نفرین شده است، مغضوب

۱. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۲. حشر، ۱۸.

۳. نحل، ۹۴.

۴. حشر، ۱۸.

۵. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۶. احمدبن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.



است، مغضوب است هرکه این گفتار مرا رد کند و با آن موافقت نکند!... پس «هرکه بنگرد که برای فردای قیامتش چه چیزی از پیش فرستاده است و از خدا بترسید» که با او [یعنی علی ع] مخالفت کنید. چه بسا قدم‌هایی که پس از استواری بلغزد؛ «به درستی که خداوند به آنچه می‌کنید، آگاه است».

...ای مردم، به زودی پس از من پیشوایانی خواهند آمد که «به سوی آتش دعوت می‌کنند و اینان در روز قیامت، هیچ کمکی دریافت نخواهند کرد.» ای مردم، خدا و من از اینان بیزاریم.

بر اساس پژوهشی تاریخی، غدیرستیزان در طول تاریخ، بیشتر دو گروه عمده بوده‌اند:

۱. منافقین منصب طلب

در سخنی کوتاه می‌توان همه جریان غدیرستیزی و غدیرستیزان را در واژه «نفاق» خلاصه کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیریه، بارها و بارها، به موضوع شوم نفاق و منافقان اشاره کرده و خطر این جریان ضدّ دین را به امت گوشزد کرده‌اند:

سَأَلْتُ جَبْرَيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَالِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِذْغَالِ الْآثِمِينَ وَخُلُلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسَّنَةِهُمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ^۱ وَيَحْسُبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ^۲ وَكَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أُذُنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَالِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى

۱. فتح، ۱۱.

۲. نور، ۱۵.





أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَالِكَ قُرْآنًا ﴿وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ ﴿خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۱ وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ وَكُلَّ ذَالِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّْي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّْ ثُمَّ تَلَا حَدَّثَنَا اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ﴿فِي عَلِيٍّ﴾ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»^{۲، ۳، ۴}

در ابتدای امر از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقواییشان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب مسخره‌کنندگان اسلام آگاه بودم؛ همان‌ها که خداوند در کتابش وصفشان کرده است و فرموده است: «با زبان‌هایشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست» و می‌پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی‌که نزد خداوند، عظیم است» و [نه یک بار، بلکه] همواره مرا بسیار می‌آزردند و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا ﴿أُذُنٌ﴾ (زودباور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی زیاد علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عز و جل این آیه را نازل فرمود: «و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: 'او حرف شنو زودباور است.' بگو: 'زودباوری او برای شما نیکو و به‌نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و

۱. توبه، ۶۱.

۲. توبه، ۶۱.

۳. مائده، ۶۷.

۴. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.





[فقط] مؤمنان را تصدیق می‌کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند، رحمت است و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»

اگر بخواهم، می‌توانم از یکایک این افراد نام ببرم و به آن‌ها اشاره کرده و خصوصیات کاملشان را بیان کنم؛ ولی به خدا قسم، درباره آن‌ها بزرگواری می‌کنم. با این‌همه، خدا از من راضی نمی‌شود؛ مگر آنچه به من وحی کرده است را برسانم؛ سپس این آیه را خواند: «ای پیامبر، برسان آنچه را [درباره] علی‌بن‌ابی‌طالب] از سوی پروردگارت به تو نازل شده است که اگر این کار را نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای و [پروا نکن که] خدا تو را از [فتنه و گزند] مردم حفظ می‌کند.»

۲. قائلین به جدایی سیاست از دیانت

رگه‌های فکری این گروه که همان مقدّسین انزواطلب و روشن‌فکران راحت‌طلب هستند و در طول تاریخ، پرچم ستیز با غدیر را برافراشته‌اند، امروزه در میان اهل سنت و شیعه دیده می‌شود. این افراد که سیاست و دیانت را دو موضوع جدا از هم می‌پندارند و می‌کوشند دین را در چهارچوب موضوعی شخصی محدود کنند، خود دو دسته‌اند:

الف. جریان‌ی از اهل سنت

اولین ندای شوم جدایی سیاست از دیانت در صدر اسلام، با شعار: «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»^۱ و حذف اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ از صحنه

۱. (کتاب خدا [یعنی قرآن] برای ما کافی است) (محمدبن محمد مفید، کتاب الامالی، ص ۳۶).





سیاست و حاکمیت جامعه، همراه بود. این ندای شیطانی به تشکیل جریانی سیاسی به نام خلافت منجر شد که در برابر نظام امامت قرار گرفت و زمینه ساز شکل گیری حکومت اُمویان و عباسیان در بستر تاریخ شد. امام خمینی علیه السلام در این باره فرموده اند:

طرح مسئله جدابودن سیاست از [دین و] روحانیت، چیز تازه ای نیست. این مسئله در زمان بنی امیه طرح شد و در زمان بنی عباس قوّت گرفت. در این زمان های اخیر هم که دست های بیگانه در ممالک باز شد، آن ها هم به این مسئله دامن زدند؛ به طوری که مع الاسف، بعضی از اشخاص متدّین و روحانیون متعهد هم باورشان آمده است!^۱

ب. جریانی در درون شیعه

در میان شیعیان هم دو گروه، فریب شعار جدایی سیاست از دین را خورده اند: ۱. مقدّسین و عارف مسلکان؛ ۲. روشن فکران لیبرال. امام خمینی علیه السلام در تبیین تفکر انحرافی این افراد فرموده اند:

خیال کردند یک دسته زیادی که معنای عرفان عبارت از این است که انسان یک محلی پیدا بشود و یک ذکری بگوید و یک سری حرکت بدهد و یک رقصی بکند و این ها! این معنای عرفان است؟! مرتبه اعلای عرفان را امام علی علیه السلام داشته است و هیچ، این چیزها نبوده در کار. خیال می کردند که کسی که عارف است، باید دیگر به کلی کناره گیرد از همه چیز و برود کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری تغنی بشود و

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، ص ۲۹۱.





یک قدری چه بکند و دُکانداری! امیرالمؤمنین درعین حالی که «أَعْرِفْ خَلْقَ اللَّهِ بَعْدَ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ» در این امت، «أَعْرِفْ خَلْقَ اللَّهِ بِهَ حَقِّ تَعَالَى» بود، مع ذلک نرفت کنار بنشیند و هیچ کاری به هیچی نداشته باشد! هیچ وقت هم حلقه ذکر نداشت. مشغول بود به کارهایش؛ ولی آن هم بود. یا [گاهی] خیال می شود که کسی که اهل سلوک است، اهل سلوک باید به مردم دیگر کار نداشته باشد: در شهر هرچه می خواهد بگذرد [، بگذرد]! من اهل سلوکم، بروم یک گوشه ای بنشینم و ورد بگویم و سلوک به قول خودش پیدا کند. این سلوک در انبیا زیادتر از دیگران بوده است، در اولیا زیادتر از دیگران بوده است؛ لکن نرفتند توی خانه شان بنشینند و بگویند که ما اهل سلوکیم و چه کار داریم که به ملت چه می گذرد [و] هرکه هرکاری می خواهد، بکند!

اگر بنا باشد که اهل سلوک بروند کنار بنشینند؛ پس باید انبیا هم همین کار را بکنند و نکنند. موسی بن عمران اهل سلوک بود؛ ولی مع ذلک رفت سراغ فرعون و آن کارها را کرد. ابراهیم هم همین طور، رسول خدا هم که همه می دانیم: رسول خدایی که سال های طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد، یک حکومت سیاسی ایجاد کرد؛ برای اینکه عدالت ایجاد بشود. تبع ایجاد عدالت، فرصت پیدا می شود برای اینکه هرکس، هرچیزی دارد، بیاورد. وقتی که آشفته است، نمی تواند. در یک محیط آشفته نمی شود که اهل عرفان عرفانشان را عرضه کنند، اهل فلسفه فلسفه شان را، اهل فقه فقه شان را؛ لکن وقتی حکومت، یک حکومت عدل الهی شد و عدالت را جاری کرد و نگذاشت که فرصت طلب ها به مقاصد خودشان برسند،





یک محیط آرام پیدا می‌شود [و] در این محیط آرام، همه چیز پیدا می‌شود؛ ... به هیچ چیز مثل این امر سیاسی دعوت نشده است و این امر سیاسی، بوده است: زمان پیغمبر بوده است، زمان امیرالمؤمنین بوده است، بعدها هم اگر یک فرصت پیدا می‌شد، آن‌ها هم داشتند این معنا را.

انحرافات زیاد شده است. بعضی از اهل علم خودمان هم همین معانی را دارند: «لباس جُندی حرام است: لباس شهرت است [و] به عدالت مضر است.» حضرت امیر عادل نبوده [است]؟ حضرت سیدالشهدا هم عادل نبوده [است]؟ حضرت امام حسن هم عادل نبوده [است]؟ پیغمبر اکرم هم عادل نبوده [است]؟ برای اینکه لباس جُندی داشتند! این‌ها را تزریق کردند به ما. به ما آن‌طور دست‌های توطئه‌گر تزریق کردند که ماها هم باورمان آمده است. [مثلاً می‌گویند:] تو چه کار داری به اینکه چه می‌گذرد! تو مشغول درست باش! تو مشغول فقهات باش! تو مشغول فلسفهات باش! تو مشغول عرفانت باش! چه کار داری که چه می‌گذرد! در آن وقت، اوایلی که این مسائل پیش می‌آمد، یکی از رفقای ما که بسیار خوب بود، بسیار مرد صالحی بود و اهل کار هم بود؛ لکن من وقتی یک قضیه را صحبت کردم که در این قضیه ما باید تحقیق کنیم، گفت: «به ما چه کار دارد؟ حاصل امر سیاسی است. به ما چه کار دارد!» این‌طور تزریق شده بود که یک مرد عالم روشن فکر متوجه به مسائل، این‌طور می‌گوید که به ما چه کار دارد. پیغمبر هم می‌گفت سیاست به ما چه کار دارد؟ امیرالمؤمنین هم که حکومت داشت، ... حکومتی داشت برای ذکرگفتن و برای قرآن خواندن و برای نماز خواندن





و همین دیگر؟! حکومت بود، ولایت بود و تجهیز جیوش^۱ بود. عرض می‌کنم حکومت‌ها در نصب‌کردن این‌ها بود. همه‌اش سیاست است این‌ها.

آنی که می‌گوید که آخوند چه کار دارد به سیاست، آنی که با آخوند خوب نیست، این با اسلام بد است. می‌خواهد آخوند را کنار بگذارد که می‌تواند یک‌کاری توی مردم انجام بدهد و [درنتیجه، خودش] هرکاری دلشان می‌خواهد، بکنند و لهذا این‌طور شد؛ البته علمای ما در طول تاریخ، این‌طور نبود[ه] است[که منعزل از سیاست باشند. مسئله مشروطیت، یک مسئله سیاسی بود و بزرگان علمای ما در آن دخالت داشتند [و] تأسیسش کردند. مسئله تحریم تنباکو یک مسئله سیاسی بود و میرزای شیرازی رحمته‌الله این معنا را انجام داد. در زمان‌های اخیر هم مدرس، کاشانی، این‌ها مردم سیاسی بودند و مشغول کار بودند؛ اما به قدری قدرت داشت این دست قوی توطئه‌گر که نمی‌شد از فکر حتی اهل علم محترم هم بیرون کرد به اینکه نه، مسئله این‌طور نیست.^۲

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در این باره فرموده‌اند:

خیلی از اوقات، اتفاق می‌افتاد که کسانی در جامعه، در جامعه زمان خلفا، اهل زهد بودند و اهل علم بودند و معروف به تفسیر و به علم و به این چیزها. خلفا هم با آن‌ها نه فقط معارضه‌ای نمی‌کردند، بلکه حتی مخلص آن‌ها بودند، اظهار ارادت نسبت به آن‌ها می‌کردند، پیش آن‌ها می‌رفتند، از آن‌ها نصیحت

۱. «جُوش» جمع «جیش» و به معنای لشکرهاست.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۶ تا ۱۱۸، به نقل از: نرم‌افزار صحیفه امام، نسخه ۳.





می‌خواستند. چرا؟ چون آن‌ها در مقابل خلفا داعیهٔ سیاسی نداشتند. امثال حسن بصری و ابن‌شُبْرُمَة و یا عَمْرَوین عُبَید، این بزرگان از علمایی که مورد توجه و قبول خلفا بودند، این‌ها کسانی بودند که ادعای علم و ادعای زهد و ادعای معنویت و ادعای تفسیر و ادعای علوم پیغمبر و همهٔ این ادعاها را داشتند؛ اما نسبت به آن‌ها هیچ‌گونه از طرف خلفا تعرضی نبود. چرا؟ چون داعیهٔ قدرت سیاسی وجود نداشت.^۱

حضرت آیت‌الله جوادی آملی (حفظه‌الله تعالی) در تفسیر زیارت جامعۀ کبیره و ذیل عبارت «وَسَاسَةُ الْعِبَادِ»^۲ فرموده‌اند:

شعار شوم «جدایی دین از سیاست» ساختهٔ نیرنگ سیاسیون سیاسی‌کارِ دغل‌باز و پرداختهٔ جمود و جهل تسبیح‌به‌دستان عافیت‌طلب و روشن‌فکر نمایان غافل، وابسته یا غیروابسته است؛ وگرنه هیچ سیاست‌مدار حکیمی، سیاست را از دین جدا نمی‌داند؛ بلکه آن‌دو را کاملاً به‌هم پیوسته و مرتبط می‌شمرد. سیاسیونِ هوامدار و هوس‌پرست در راستای اعمال سلطۀ سیاسی و حاکمیت فکری و فرهنگی خود، برای مقابله با ادیان حقیقی که نسبت به سلطه‌گران حالت پرخاشگری و تهاجم دارند، اقدام به دین‌سازی، مذهب‌تراشی و انحراف ادیان راستین الهی با نام قرائت جدید و امثال آن می‌کنند و در این راه، همت می‌گمارند و از آن، به‌عنوان زمینه‌ساز حضور فکری و سیاسی سلطه‌گرانۀ خود استفاده می‌کنند.

۱. مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهباء، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری دربارهٔ زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام)، ص ۲۴.

۲. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۶.





اسلام آمریکایی و مسیحیت آمریکایی^۱ نمونه تحریف ادیان [است و] بهائیت در عالم شیعه و وهابیت در دنیای تسنن، نمونه‌های مذهب تراشی است. از یک سو غداره‌بندان سیاسی‌کار، خنجر را از رو بسته و مسلح به انواع سلاح‌های سیاسی، فکری، فرهنگی، نظامی، اقتصادی و... در پناه آتش تهیه فراهم آمده از مساعدت، همکاری و هم‌فکری عافیت‌طلبان و روشن‌فکر نمایان داخلی و با استفاده از غفلت و خواب‌آلودگی ملت‌ها، حمله گسترده، فراگیر و همه‌جانبه خود را برای درهم‌ریختن بنیادهای دینی و اعتقادی جبهه متدینان و دین‌باوران آغاز کرده، به افساد و اِهلاک حرث و نسل پرداخته‌اند. از دیگر سو [نیز] عده‌ای با اعلام آتش‌بس یک‌طرفه، سلاح بر زمین نهاده، دست‌ها را بالا گرفتند و عملاً تسلیم بیگانه شده‌اند.

...از سوی سوم، گروهی با تهاجم فرهنگی، قدح منحرفانه زیرکان و عده‌ای با دل‌بستگی به مدح منحرفانه [و مبالغه‌آمیز و ناآگاهانه] غافلان، صحنه فرهنگ ناب را رها کرده و میدان سباق و محاوره و مناظره علمی را ترک گفتند. این‌ها نه تنها سلاح هجوم به بیگانه را به دست نگرفته‌اند، بلکه سلاح دفاع از خود را نیز زمین نهادند [و] در مقابل، قلم غفلت یا تسبیح تحجّر به دست گرفته، لباس رزم را درآورده، لباس عافیت کاذب که در واقع ثوب مذلت است، به تن کرده‌اند. [این‌ها] آیه ﴿وَأَعْدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ

۱. همان‌گونه که امام راحل عظیم‌الشان علیه السلام با قیام و اقدام خود، مسلمانان را از شر اسلام آمریکایی خلاص و با دم روح‌اللهی خود، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را احیا و به دنیا معرفی کرد، مسیحیت راستین عیسی بن مریم علیه السلام نیز احتیاج به روح‌اللهی دارد که با دم عیسوی خود، دنیای غرب را از فتنه و فساد مسیحیت محرف و منحرف آمریکایی نجات بخشد و مسیحیت ناب عیسوی را به جهانیان بشناساند.





عَدُوَّكُمْ^۱ و امثال آن را فراموش کرده، به اذکار و اوراد شخصی که هیچ‌کس ترس و واهمه‌ای از آن ندارد، روی آورده‌اند و برخی نیز با بیان و بنان‌شان، شعارهای انحرافی و بیگانه از فرهنگ اسلام را تکرار می‌کنند و خلاصه به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کرده‌اند.

هر دو گروه، باید جواب بدهند. عهدنامه مالک اشتر نخعی که حقاً اصول سیاسی اسلام ناب محمدی و علوی است، با نغمه ناموزون جدایی دین از سیاست، چگونه قابل جمع است؟ چطور می‌توان اقدام رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای تشکیل حکومت اسلامی در اولین فرصت ممکن پس از هجرت و تلاش امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برای تصدی امر خلافت پس از رحلت آن حضرت را دید و تصویر صحیحی از اسلام منهای سیاست ارائه داد؟^۲

۱. انفال، ۶۰.

۲. عبدالله جوادی آملی، ادب: فنای مقربان، ج ۱، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.





حکومت ولی فقیه؛ استمرار جریان غدیر در دوران غیبت

به استناد خطبه غدیریّه پیامبر ﷺ، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیام این خطبه، پیام سیاسی آن، یعنی دولت‌سازی با محوریت نظام امامت امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام و پذیرش ولایت و حکومت عادلانه آن‌هاست.

تمرد و سرپیچی تاریخی از غدیر، سبب حاکمیت بیگانگان بر سرنوشت اسلام و مسلمین یا حاکمیت اسلام غیرولایی و حکومت ظالمانه حاکمانی غاصب و فاسد شد که این راه شوم و تاریک، در پایان دوره امامت امام یازدهم، به غیبت دوازدهمین پیشوای آسمانی انجامید.

دوران غیبت، دورانی بسیار پرالتهاب و پرفتنه و طاقت‌فرساست؛ اما فرزندان غدیر برای انجام حداقل وظایف خود در برابر غدیر و اعلام آمادگی به منظور برپایی دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم است ضمن زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور، با مجاهدتی خستگی‌ناپذیر برای تحقق یاری حاکمیت و حکومت ولی فقیه همت گمارند تا در حدّ توان و استطاعت، به پیام واقعه غدیر جامه عمل پوشانیده شود.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده‌اند: «...وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴.





(...و درباره [حکم] پیشامدهای تازه به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر آن‌ها). امروزه بزرگ‌ترین مشکل مسلمانان و شیعیان که سبب سرگردانی آن‌ها شده است، مسئله حاکمیت و حکومت و تسلط دشمنان دین بر ذهن و دل و منابع مادی و معنوی جهان اسلام است؛ از این رو، لازم است همگی برای خنثی‌سازی تحرکات و دسیسه‌های دشمنان و اجرای شایسته قوانین اسلام، از نظام ولایت فقیه پشتیبانی کنیم. امید است از این رهگذر بتوانیم خود و جامعه خویش را در مقام عمل، در طومار دریافت‌کنندگان پیام غدیر قرار دهیم و زمینه‌های ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای اجرای هدف نهایی غدیر، یعنی تشکیل حکومت جهانی با محوریت امام معصوم علیه السلام فراهم سازیم. امام خمینی ره در این زمینه فرموده‌اند:

...بعد از رسول اکرم کسی افضل از او در هیچ معنایی نیست و نخواهد بود؛ لکن در مراتب بعد هم که باید این امت هدایت بشود، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که از دنیا می‌خواست تشریف ببرد، تعیین جانشین و جانشین‌ها را تا زمان غیبت کرد و همان جانشین‌ها تعیین امام امت را هم کردند [و] به‌طور کلی این امت را به خود واگذاشتند که متحیر باشند: برای آن‌ها امام تعیین کردند، رهبر تعیین کردند. تا ائمه هدی علیهم السلام بودند، آن‌ها بودند و بعد فقها؛ آن‌هایی که متعهدند، آن‌هایی که اسلام‌شناس‌اند، آن‌هایی که زهد دارند [و] زاهدند، آن‌هایی که اعراض از دنیا دارند، آن‌هایی که توجه به زرق و برق دنیا ندارند، آن‌هایی که دلسوزند] برای ملت [و] آن‌هایی که ملت را مثل فرزندان خودشان می‌دانند، آن‌ها را تعیین کردند برای پاسداری از این امت.^۱

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۲، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.





همین بزرگوار برای دفع توهم شبهه افکنان در هم طرازی ولی فقیه با معصوم علیه السلام، ضمن تفکیک عالمانه این دو موضوع، در نظریه ولایت فقیه فرموده‌اند:

وقتی می‌گوییم ولایتی را که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ‌کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه علیهم السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ زیرا اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است. ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، ولایت مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره، برخلاف تصویری که خیلی از افراد دارند، امتیاز نیست؛ بلکه وظیفه‌ای خطیر است. از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد، مانند جعل قیّم برای صغار. قیّم ملت با قیّم صغار، از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. مثل این است که امام علیه السلام کسی را برای حضانت، حکومت یا منصبی از مناصب تعیین کند. در این موارد، معقول نیست که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام با فقیه فرق داشته باشد.

مثلاً یکی از اموری که فقیه متصدی ولایت آن است، اجرای حدود است. آیا در اجرای حدود، بین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام و فقیه امتیازی است یا چون رتبه فقیه پایین تر است، باید کمتر بزند؟ حدّ زانی که صد تازیانه است، اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جاری کند، ۱۵۰ تازیانه می‌زند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام صد تازیانه و فقیه، پنجاه تازیانه؟ یا اینکه حاکم، متصدی قوه اجرائیه





است و باید حدّ خدا را جاری کند؛ چه رسول الله ﷺ باشد و چه حضرت امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام یا نماینده و قاضی آن حضرت در بصره و کوفه یا فقیه عصر. دیگر از شئون رسول اکرم ﷺ و حضرت امیر علیّ علیه السلام اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه و خراج اراضی خراجیه^۱ است. آیا رسول اکرم ﷺ اگر زکات بگیرد، چقدر می‌گیرد؟ از یک جا، ده یک و از یک جا، بیست یک [می‌گیرد]؟ حضرت امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام [که] خلیفه شدند، چه می‌کنند؟ جناب عالی [که] فقیه عصر و نافذالکلمه شدید، چطور؟! آیا در این امور، ولایت رسول اکرم ﷺ با [ولایت] حضرت امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام و فقیه فرق دارد؟

خداوند متعال رسول اکرم ﷺ را «ولی» همه مسلمانان قرار داده [است] و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر علیّ علیه السلام ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان و حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی اوامر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است و می‌تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم ﷺ و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا، مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین‌تر باشد؛ [به این معنا که] یکی والی و دیگری والی‌تر باشد.^۲

۱. اراضی خراجیه یا زمین‌های خراجی به زمین‌های آباد گفته می‌شود که مسلمانان به فرمان پیامبر ﷺ یا امام معصوم علیّه السلام، آن را فتح کرده باشند. این نوع زمین‌ها به تمام مسلمین تعلق دارد و خریدوفروش آن ممنوع است. حکومت اسلامی آن‌ها را واگذار می‌کند و در برابر استفاده از آن، مالی دریافت می‌کند که به آن خراج می‌گویند.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۰ و ۵۱.





غدیر خم و تبیین اندیشه و راهبرد تاریخی سیاسی شیعه

در نگاه شیعه و مکتب اهل بیت علیهم السلام نبوت و همه آرمان‌ها و مشخصه‌ها و امتیازهایش، البته به استثنای وحی تشریعی آن، در امام و نظام امامت، استقرار و تجلی یافته است. امامان معصوم علیهم السلام در فرهنگ تشیع، مانند پیامبر، سه شأن و مقام «دینی» و «قضایی» و «حکومتی و اجرایی» دارند و همان‌گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه، در هر سه عرصه گفته شده، ولایت و اختیارات کامل داشتند، امامان و خلفای صالح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز از این سه شأن پیامبرانه برخوردارند. به همین دلیل و براساس پیام غدیر، شیعه اصرار دارد که حق حاکمیت سیاسی مشروع و الهی امام را تثبیت کند تا امام در کنار امور دینی و عبادی، به حق حاکمیت و دولتی‌سازی و استقرار نظامی سیاسی و الهی دست یابد و بتواند احکام دین را در بستر جامعه و جهان جاری کند؛ البته این مهم، وظیفه‌ای دینی برای امامان معصوم علیهم السلام و پیروان آن‌هاست.

غدیر خم طلیعه نظام ولایی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تبیین‌کننده اندیشه سیاسی و راهبرد اسلام ناب محمدی برای همیشه تاریخ و





تا قیام قیامت است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ در خطبه غدیر فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ
قَدْ بَلَّغْتُ مَا بَلَّغْتُ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ
مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَلَمْ يُؤَلِّدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ
الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

ای گروه مردم، همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز قیامت در ذریه خودم به ودیعه می‌سپارم و به تحقیق آنچه را باید تبلیغ کنم، تبلیغ کردم و این حجت است برای هر حاضر و غایب و بر هر کس شاهد بوده یا شاهد نبوده است و هنوز متولد نشده است؛ پس باید تا روز قیامت [پیام امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی عليه السلام] را [شاهد به غایب و پدر به فرزند برساند].

چنان‌که پیش از این گفته شد، در برابر این اندیشه سیاسی، علاوه بر جریانات باطل خارج از اسلام، دو جریان منحرف درون اسلامی نیز وجود دارد:

۱. اندیشه اسلام غیرسیاسی و دیانت بدون سیاست و اسلام غیرحکومتی؛ این اندیشه انحرافی، مربوط به متحجران، عارف مسلکان گوشه‌گیر، مقدس‌نماها، روشن‌فکران لیبرال و راحت‌طلبان است.

۲. اندیشه اسلام سیاسی غیرمعصومانه و پذیرش هر نوع حاکمیت و حاکمی بر سرنوشت اسلام و مسلمین؛ پذیرش چنین تفکری، به پذیرش حاکمیت اسلام اُموی و عباسی و در یک کلام، اسلام آمریکایی منجر می‌شود؛ اما بر مبنای طرح‌واره غدیرخم، مکتب اسلام و دین

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۶.





اولاً برای اجرای حدود و احکام اسلامی، نظام اجرایی و سیاسی دارد و ثانیاً هر نوع حکومت و حاکمیتی را بر نمی‌تابد؛ بلکه حاکم باید معصوم بوده و در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام نیز، حاکم باید عادل باشد. بر این مبنا، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در عید غدیر خم که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»^۱ به معنای اثبات ولایت سیاسی و انتصاب امیرالمؤمنین علی و فرزندان معصوم ایشان علیهم السلام به مقام امامت و خلافت است، آن هم با تمام اختیارات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم؛ اما با کمال تأسف، مخالفان ولایت، ولایت در این کلام مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر معنای دیگر حمل کردند و گفتند: «مراد از ولایت و ولی در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ولایت سیاسی و حکومتی و اجرایی نیست؛ بلکه منظور از آن ولاء، فقط حب است!»

در ردّ این شبهه و برداشت شیطنت‌آمیز، علامه امینی رحمته الله در جلد دوم کتاب ارزشمند الغدير به سخن ۴۲ نفر از پیشوایان علم لغت و عربی استناد کرده‌اند که بنا بر گفته همگی آن‌ها، مولا بر اثبات «ولاء» به معنای «أولى بالتصرف» یا همان ولای سرپرستی و سیاسی دلالت دارد؛ اما علاوه بر استنادات لغوی، با ذکر پنج وجه می‌توان فهمید که منظور، ولای سیاسی است:

۱. اگر منظور، ولای محبت و دوستی باشد، پس دیگر نباید میان شیعه و سنی اختلافی باقی بماند؛ زیرا بسیاری از اهل سنت به جز ناصبی‌ها، محب اهل بیت علیهم السلام هستند؛ اما امتیاز شیعه نسبت به دیگران آن است که از دیدگاه شیعه، علاوه بر داشتن حبّ علی علیه السلام باید آن حضرت را به عنوان امام و خلیفه اول مسلمین پذیرفت.

۲. اگر منظور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعلام لزوم محبت و ورزی به امیرالمؤمنین





علی علیه السلام بود، هیچ دلیلی نداشت که برای این اعلام، از موقعیتی مانند حجة الوداع و حضور بیش از صد هزار نفری حاجیان در وادی غدیر خم استفاده کنند.

۳. از آنجاکه ولایت تکمیل‌کننده رسالت است، فقط محبت‌ورزی به حضرت علی علیه السلام کامل‌کننده و تضمین‌کننده بقای دین نیست؛ بلکه پذیرش ولایت سیاسی علی علیه السلام، کامل‌کننده دین و رسالت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به شمار می‌رود و به همین دلیل، خداوند متعال خودداری از اعلام جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام را ناتمام گذاشتن وظیفه رسالت دانسته و فرموده است: ﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾^۱ (و اگر [اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام] را [به انجام نرسانی، رسالت الهی را ادا نکرده‌ای!])

۴. همه اهل بیت علیهم السلام از امیرالمؤمنین علی و حضرت زهرا علیهما السلام گرفته تا دیگر امامان علیهم السلام در مواضع مختلف، برای اثبات حق حکومتی خویش و نه اثبات وجوب محبت دیگران به خود، به سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم استناد کرده‌اند که فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً»^۲.

۵. محبت اهل بیت علیهم السلام موضوعی درونی و قلبی است که غصب آن معنا ندارد؛ اما ولای سیاسی و حق حکومتی، امری خارجی است که امکان غصب آن وجود دارد و از آنجاکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره غصب این حق حکومتی اهل بیت علیهم السلام احساس خطر می‌کردند، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را در حضور همه مردم، در غدیر خم به صورت رسمی اعلام کردند و با درخواست بیعت از مردم، به تثبیت حق حاکمیت سیاسی امیرالمؤمنین علیه السلام پرداختند؛ ولی متأسفانه پس از آن، این حق از سوی ناهلان غصب شد.

۱. مانده، ۶۷.

۲. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.





امام خمینی علیه السلام که خود از دریافت‌کنندگان پیام غدیر بودند، در تبیین اینکه غدیر نقطه آغاز حرکت سیاسی مشروع در ساختار نظام امامت است، فرموده‌اند:

مسئله [غدیر]، مسئله حکومت است. مسئله، مسئله سیاست است، حکومتِ عدل^۱ سیاست است، تمام معنای سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت را و این سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر واگذار کنند؛ چنان‌که خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست! این سیاست و این حکومتی که عجین با سیاست است، در روز عید غدیر، برای حضرت امیر ثابت شد. اینکه در روایات هست که «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ»^۲ این ولایت، ولایت کلی امامت نیست. آن امامتی که هیچ عملی مقبول نیست [و] قبول نمی‌شود، الا به اعتقاد به امامت، این معنایش این حکومت نیست.

خب ما بسیاری از ائمه‌مان حکومت نداشتند. ما الان معتقدیم که حضرت امیر در یک برهه از زمان به حکومت رسید، حضرت امام حسن هم یک مدت بسیار بسیار کمی به حکومت رسید؛ [ولی] باقی ائمه حکومت نداشتند. آنچه خدای تبارک و تعالی جعل کرد و دنبالش هم برای ائمه هدی جعل شده است، حکومت است؛ لکن نگذاشتند که این حکومت ثمر پیدا بکند؛ بنابراین، حکومت را خدا جعل کرده است برای حضرت امیر علیه السلام. این حکومت یعنی سیاست، یعنی عجین با سیاست. از اعوجاج‌هایی که پیدا شده است، مع‌الأسف این است که

۱. «عدل» به معنای «برابر» و «همان» است.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.





یعنی اعوجاج زیاد پیدا شده [است]؛ اما بزرگ‌ترینش این است که دست‌هایی از زمان سابق، از زمان خلفای اُموی و خلفای عباسی (علیهم‌لَعْنَةُ‌الله)، از آن زمان، دست‌هایی پیدا شده است که بگویند که دین علی‌حده از مسائل است و سیاست علی‌حده از حکومت است. هرچه طرف پایین آمده است، این قوّت گرفته است تا وقتی بازیگرهای دنیا که دیدند باید دین را یک چیز تعبّدی قرار داد، این بازیگرها آمدند و این‌طور کردند و ماها هم باورمان آمده بود که دین چه‌کار دارد به سیاست؟ سیاست مال امپراتورها [است]. این معنایش این است که تخطئه کنیم خدا را و رسول خدا را و امیرالمؤمنین را؛ برای اینکه حکومت سیاست است. حکومت که دعاخواندن نیست، حکومت که نماز نیست، حکومت روزه نیست. حکومت [یعنی] حکومت عدل، اسباب این می‌شود که این‌ها اقامه بشود؛ اما خود حکومت، یک دستگاه سیاسی است. آن‌که می‌گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا را کرده، تکذیب رسول خدا را کرده است، تکذیب ائمه هدی را کرده است.^۱

فرموده این بزرگوار دربارهٔ اصلی‌ترین پیام غدیر، یعنی جدایی‌ناپذیری دین از سیاست و جریان همیشه‌جاری غدیر در بستر تاریخ بشر نیز شنیدنی است:

غدیر آمده است که بفهماند که سیاست به همه مربوط است [و] در هر عصری باید حکومتی باشد با سیاست؛ منتها سیاست عادلانه که بتواند به واسطهٔ آن سیاست، اقامهٔ صلاّه کند، اقامهٔ صوم کند، اقامهٔ حج کند، اقامهٔ همهٔ معارف را بکند و راه را باز

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۳ و ۱۱۴، به نقل از: نرم‌افزار صحیفه امام، نسخه ۳.





بگذارد برای اینکه صاحب افکار، یعنی آرام کند که صاحب افکار، افکارشان را با دلگرمی و با آرامش ارائه بدهند.^۱

حضرت امام علیه السلام که نظریه سیاسی ولایت فقیه را برگرفته از غدیر خم می‌دانستند، در تبیین این موضوع چنین فرموده‌اند:

نظریه شیعه درمورد طرز حکومت و اینکه چه کسانی باید عهده‌دار آن شوند، در دوره رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا زمان غیبت واضح است. به موجب آن، امام باید فاضل و عالم به احکام و قوانین و در اجرای آن عادل باشد. اکنون که دوران غیبت امام علیه السلام پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. ... اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟ دیگر اسلام نمی‌خواهیم؟ اسلام فقط برای دویست سال بود؟ یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است؛ ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود و ما با بی‌حالی، دست روی دست بگذاریم که هرکاری می‌خواهند، بکنند و ما اگر کارهای آن‌ها را امضا نکنیم، رد نمی‌کنیم! آیا باید این‌طور باشد یا اینکه حکومت لازم است و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است؟ این خاصیت که عبارت از علم

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۵، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.



به قانون و عدالت باشد، در عده بی شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر باهم اجتماع کنند، می توانند حکومت عدل عمومی [را] در عالم تشکیل دهند. اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد، به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در امر اداره جامعه داشت، دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.^۱

امام امت علیه السلام در بیانات خود، به موضوع زندانی شدن حقیقت غدیر در برهه ای از تاریخ و تلاش برای آزاد کردن این جریان اصیل و برخاسته از وحی و کلام نبوی نیز پرداخته اند:

... غدیر منحصر به آن زمان نیست. غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است، باید روش ملت ها و دست اندرکاران باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است. این است که قابل نصب است؛ و الا مقامات معنوی قابل نصب نیست؛ یک چیزی نیست که با نصب، آن مقام پیدا بشود.^۲

رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) نیز در تبیین تفکر سیاسی اهل بیت علیهم السلام و تلاش ایشان برای تشکیل حکومت در طول تاریخ پس از غدیر خم و رویارویی حاکمان فاسد با امامان علیهم السلام فرموده اند:

تمام این نزاعی که شما در طول دوران زندگی ائمه علیهم السلام بین آنها و دستگاه های ظلم و جور مشاهده می کنید، بر سر همین قضیه است. آن هایی که با ائمه ما مخالفت می کردند، آنها را مسموم می کردند، مقتول می کردند، زندان می انداختند [و] محاصره

۱. سیدروح الله موسوی خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۸ و ۴۹.

۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۱۲ و ۱۱۳، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.



می‌کردند، دعوایشان بر سرداعیه حکومت ائمه علیهم‌السلام بود. اگر ائمه داعیه حکومت نداشتند، ولو علوم اولین و آخرین را هم به خودشان نسبت می‌دادند [و] اگر بحث قدرت سیاسی نبود، داعیه قدرت سیاسی نبود، هیچ‌گونه تعرضی نسبت به آن‌ها انجام نمی‌گرفت [یا] لااقل به این شدت انجام نمی‌گرفت؛ اصلاً مسئله این است! لذا شما می‌بینید در بین دعوت‌ها و تبلیغات ائمه علیهم‌السلام روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی است؛ یعنی وقتی که امام صادق هم می‌خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند، می‌گوید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ»!... در اجتماع مردم در عرفات، می‌ایستد در میان مردم [و] می‌گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ الْإِمَامَ». امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه، رسول خدا بود، «ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ»^۱ تا می‌رسد به خودش. یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و بحث اصحاب ائمه در مبارزاتشان، همین مسئله حکومت و حاکمیت و ولایت مطلقه و عامه بر مسلمین و قدرت سیاسی بود. بر سر مقامات معنوی، آن‌ها با ائمه دعوایی نداشتند.^۲

ایشان در سخنی دیگر فرموده‌اند:

مسئله اصلی و اختلاف اصلی بین سردمداران قدرت، یعنی بنی‌عباس و بنی‌امیه و میان اهل بیت رسول خدا، مسئله امامت بود و مبارزه و درگیری و معارضة و سرکوب، ناشی از فکرائمه علیهم‌السلام در باب امامت مسلمین بود. در دوران اخیر و به خصوص در دو قرن گذشته هم، در دنیای اسلام، مایه

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۶۶.

۲. مؤسسه فرهنگی‌هنری ایمان جهادی صهبا، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام)، ص ۲۳.





اصلی نزاع میان مسلمین و قدرت‌های استعمارگر، مسئله حکومت اسلامی است.^۱

این بزرگوار در بیان خواسته مشروع و تلاش ائمه طاهرین علیهم‌السلام در زمینه احقاق حق سیاسی خویش فرموده‌اند:

آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم‌السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم‌السلام جداً می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار، آن طور که تصور می‌شود، با علم و معرفت امام منافات ندارد. آن‌ها واقعاً می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند. اگر برقرار می‌کردند، تقدیر الهی همان بود. تقدیر الهی و اندازه‌گیری‌ها در علم پروردگار، با شرایط گوناگون اختلاف پیدا می‌کند که حالا این موضوع را بحث نمی‌کنیم. اجمالاً در اینکه حرکت آن‌ها برای این مقصود بوده است، شکی نیست. ما امروز، به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم.^۲

۱. مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمه علیهم‌السلام، ولایت فقیه: سایه حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، ج ۲، به نقل از: کتابخانه دیجیتال سایت مؤسسه مطالعاتی صراط‌مبین.
۲. بیانات در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز، در آستانه ماه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.





غديرخم؛ معرفی پیشوایی معصومانه به درازای تاریخ

غديرخم علاوه بر آنکه روز معرفی اميرالمؤمنين علی عليه السلام به امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، روز معرفی نظام امامت و جانشینان بعدی اميرالمؤمنين علی عليه السلام تا روز قیامت است و به دیگر سخن، سالروز برگزاری جشن امامت در تاریخ زندگی انسان هاست.

در خطبه غديره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در چندین موضع، با صراحت یا کنایه، از دیگر امامان، به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد کرده اند تا جای هیچ شک و شبهه ای درباره اسم و رسم امامان بعد از اميرالمؤمنين علی عليه السلام باقی نماند:

۱. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَالْطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَضْعَرُ
الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مُبَيَّنٌّ عَنْ صَاحِبِهِ مُوَافِقٌ لَهُ
لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ^۱

ای گروه مردم، همانا علی و فرزندان پاکیزه من ثقل کوچک اند و قرآن ثقل بزرگ است و هریک از دیگری خبر می دهد و موافق با اوست و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض پیش من آیند.

۱ محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۴.





۲. مَعَاشِرَ النَّاسِ التُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيَّ مَسْلُوكٌ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ
ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ
حَقٍّ هُوَ لَنَا.^۱

ای مردم، نوری از سوی خداوند عز و جل در من نهاده شده
است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی
قائم؛ یعنی همان که حق خدا و حق هر مؤمنی را ادا خواهد کرد.

۳. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ.^۲

همانا من آن [یعنی ولایت] را به صورت امامت و وراثت تا روز
قیامت در ذریه خودم به ودیعه می سپارم.

۴. أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ
بَعْدِي ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ ﴿يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾.^۳

همانا من صراط مستقیم خدایم که امر کرده است از آن پیروی
کنید و پس از من، علی، سپس فرزندان من که از صلب اویند،
امامانی هستند که به حق حکم می کنند و به آن عدالت می ورزند.

۵. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَ عَلِيٌّ وَصِيٌّ أَلَا إِنَّ خَاتِمَ الْأَيِّمَةِ
مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ
الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْخُصُونِ وَ هَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ كُلِّ قَبِيلَةٍ
مِنَ الشِّرْكِ أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ كُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ
لِدِينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ

۱. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج. ۱، ص ۶۱ و ۶۲.

۲. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج. ۱، ص ۹۶.

۳. اعراف، ۱۵۹ و ۱۸۱.

۴. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج. ۱، ص ۹۶.





بِفَضْلِهِ وَ كُلِّ ذِي جَهْلٍ يَجْهَلُهُ إِلَّا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَ مُحْتَارُهُ إِلَّا إِنَّهُ
وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ إِلَّا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ تَعَالَى وَ
الْمُسَبِّحُ [الْمُسَيِّدُ] لِأَمْرِ إِيْمَانِهِ إِلَّا إِنَّهُ الرَّشِيدُ إِلَّا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ
إِلَّا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ مَعَهُ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ
إِلَّا عِنْدَهُ إِلَّا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنُصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي
أَرْضِهِ وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ^۱

ای مردم، من پیامبر هستم و علی وصی من است. بدانید که
خاتم امامان، مهدی قائم، از ماست. اوست که دین را آشکار
می‌کند [یعنی در دین مسلط و قاهر است] و از ستمگران انتقام
می‌گیرد. همانا او گشاینده و ویرانگر دژهاست و اوست که
تمام فرقه‌های مشرکان را شکست می‌دهد. بدانید او انتقام
خون همه اولیای خدا را می‌گیرد. او یاری‌رسان دین خداوند
است. بدانید او از دریای عمیق [معرفت] به‌دست خویش
آب برمی‌دارد. بدانید اوست که بر فضل هر صاحب فضیلتی و
جهل هر جاهل می‌افزاید. همانا که او برگزیده و گزینۀ خداوند
است. بدانید او وارث همه علوم و آگاه و چیره به همه آن است.
اوست که از خدای خود و امور مرتبط به ایمان خبر می‌دهد. او
راهنمای استوار است. کارها به او تفویض شده است. بدانید
همه کسانی که پیش از او بوده‌اند، به وجودش مژده داده‌اند.
او حجت باقی خداوند است و پس از او حجتی نیست و حق،
فقط با اوست و نوری جز در نزد او نیست. هیچ‌کس بر او چیره و
پیروز نمی‌شود. همانا او ولی خدا در زمینش و حکم خدا در میان
خلقش و امین خدا در نهان و آشکارش است.

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعطين، ج ۱، ص ۹۷.





۶. فَأَمَرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ يَقْبُولُ مَا جِئْتُ بِهِ
عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ
هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي
يَقْضَى بِالْحَقِّ.^۱

پس مأمور شده‌ام که از شما بیعت بگیرم برای پذیرفتن آنچه از
جانب خدای عز و جل دربارهٔ امیرالمؤمنین علی و امامان پس از او
آورده‌ام. آن‌ها از من و علی هستند و تا روز قیامت، امام و پیشوایند و
مهدی [امت من] که به حق حکم می‌کند، از آنان است.

۷. مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَ
عَرَفْتُكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي.^۲

ای گروه مردم، قرآن برای شما بیان کرده است که ائمهٔ پس از او
[یعنی امامان پس از علی علیه السلام]، از میان فرزندان اویند و من هم
به شما شناساندم که آنان، از نسل من هستند.

۸. مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَتَابِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ
الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ كُلِّمَةً بَاقِيَةً.^۳

ای گروه مردم، از خدا بترسید و از علی تبعیت کنید که
امیرالمؤمنین است و از حسن و حسین و دیگر امامان که کلمهٔ
پاک و پایدار الهی هستند.

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۵.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۸.

۳. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۹.





آیات الولاية در خطبه غدیریه

موضوع امامت و ولایت، از مباحث اعتقادی قرآن است. آیاتی که در قرآن درباره موضوع ولایت آمده است، مشهور به «آیات الولاية» است. این آیات توسط برخی از محققین جمع‌آوری و به صورت کتابی جداگانه تدوین شده است. برخی از کتب دربردارنده آیات الولاية عبارت‌اند از:

۱. آیات الولاية فی القرآن، نوشته ناصر مکارم شیرازی، به تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی؛

۲. آیات الولاية در پرتو فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، نوشته سیدکاظم ارفع؛

۳. ولایة الامام علی (علیه السلام) فی الکتاب و السنة، نوشته مرتضی عسکری؛

۴. فی رحاب آیات الولاية و الامامة، نوشته سیدمحمد یثربی کاشانی، تدوین محمدجواد خلیلی و ترجمه علی محمد دریع؛

۵. بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت در دیدگاه فریقین، نوشته فتح‌الله نجارزادگان؛





۶. آیات ولایت در قرآن، نوشته سید محمد مرتضوی؛
۷. سیری در آیات ولایت و امامت، نوشته سید محمد یثربی کاشانی و تدوین محمد جواد خلیلی.
- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیریه، در خلال سخنان خویش و در چندین نوبت، آیات الولاية را به صورت صریح یا با کنایه بیان کرده‌اند. برخی از دلایل آیه‌آرایی و اقتباس از آیات ولایت در این خطبه عبارت‌اند از:
 ۱. ارائه ریشه‌های و حیانی موضوع امامت و ولایت؛
 ۲. ارائه دلایل و مستندات قرآنی موضوع امامتِ خاصه و عامه و اثبات ثقل اصغر از طریق ثقل اکبر؛
 ۳. بستن راه هرگونه سوءاستفاده منافقان و مخالفان ولایت، تا کسی نتواند با طرح شعار «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ» ولایت را از کتاب خدا جدا کند؛
 ۴. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرقه‌ها و نحله‌های اسلامی و طرح بحث امامت از این طریق.
- برای روشن‌تر شدن بحث، فقط به نقل چهارده نمونه از آیات الولاية می‌پردازیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات ولایت و امامت به آن‌ها استناد کرده‌اند.

۱. آیه ابلاغ غدیر

قَدْ عَلَّمَنِي أَيُّهُنَا لَمْ أُبَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَ قَدْ
 صَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى
 إِلَيَّ ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ





مِنْ رَبِّكَ ﴿۱﴾ فِی عَلَیِّ یَعْنِی فِی الْخِلَافَةِ لِ عَلَیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ ﴿۲﴾ وَ
إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتُهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴿۳﴾

همانا خدا مرا آگاه کرد که اگر آنچه بر من نازل شده است، ابلاغ نکنم، حق رسالت را به جا نیاورده‌ام و هرآینه خداوند تبارک و تعالی مصونیت از دشمنان را برایم ضمانت کرده است و تنها او کفایت‌کننده و بخشنده است؛ پس به من وحی کرد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ای رسول، آنچه از جانب پروردگارت درباره‌ی علی یعنی جانشینی علی بن ابی طالب عَلَیْهِ السَّلَام بر تو نازل شده است، ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالت حضرت حق را ابلاغ نکرده‌ای و خداوند تو را از شرّ مردمان نگاه می‌دارد.»

در این بخش از خطبه، پیامبر اکرم ﷺ با استفاده از آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده، به چگونگی ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی عَلَیْهِ السَّلَام و نقش ولایت و امامت در تکمیل رسالت و پیوستگی صددرصد این دو در اكمال دین تصریح کرده‌اند. از دقت در این آیه معلوم می‌شود که در ابلاغ امر ولایت اهل بیت عَلَیْهِمُ السَّلَام و دفاع از آن، باید شجاع باشیم و ملاحظات سیاسی و موانع اجتماعی نباید مانع از عمل به این مهم شود.

۲. آیه ولایت

وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَیْ بِذَلِكَ آیَةً مِنْ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا

۱. مائده، ۶۷.

۲. مائده، ۶۷.

۳. حمد بن علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.





الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۱ وَ عَلَىٰ بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ^۲.

و او [یعنی علی علیه السلام] پس از خدا و رسولش مولای شماسست و همانا خداوند تبارک و تعالی در این باره آیه‌ای از کتابش را نازل کرده است: «همانا ولی خدا و رسول او و مؤمنین کسانی‌اند که نماز را به پا داشته و در حال رکوع زکات می‌دهند.» و علی ابن ابی طالب علیه السلام کسی است که نماز را به پا داشت و در حال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در هر حالی، به دنبال رضای خداست.

آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده که به آیه ولایت مشهور است، از آیات بسیار معروف در موضوع اثبات ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. این آیه بر اساس اسناد تاریخی و گفته مفسرین، درباره آن حضرت علیه السلام و واقعۀ انفاق انگشتر در حال رکوع توسط ایشان است. این حقیقت، علاوه بر اثبات شایستگی‌های ایشان، به حیانی‌بودن موضوع امامت نیز تصریح دارد.

۳. آیه اُذُن (زودباور)

سَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَالِكَ إِلَيْكُمْ أَتَيْهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِدْغَالِ الْآثِمِينَ وَ خَلَّ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ:

۱. مائده، ۵۵.

۲. احمدین علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.





﴿يَقُولُونَ بِالسِّنِّهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾^۱ وَ يَحْسَبُونَهُ ﴿هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾^۲ وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي فِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَ رَعَمُوا أَنِّي كَذَالِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِفْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَالِكَ قُرْآنًا: ﴿وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلْ أَذُنٌ﴾^۳ عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَذُنٌ ﴿خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۴ ۵.

در ابتدای امر، از جبرئیل خواستم که مرا از ابلاغ این پیام به شما مردم معذور بدارد؛ [زیرا] از کمی تقواییشان و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب کاری تمسخرکنندگان اسلام آگاه بودم: همان ها که خداوند در کتابش وصفشان کرده است و می فرماید: «با زبان هایشان سخنی می گویند که در دل هایشان نیست» و می پنداشتند «آن سخنی کوچک است؛ درحالی که نزد خداوند، بزرگ است» و [نه يك بار، بلکه] همواره مرا بسیار می آزدند و شدت آزارم را به آنجا رساندند که مرا ﴿أُذُنٌ﴾ (زودباور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی بسیار علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خداوند عز و جل این آیه را نازل فرمود: «و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را می آزارند و می گویند: 'او حرف شنو زودباور است.' بگو: 'زودباوری او برای شما نیکو و به نفعتان است. [بدانید] او به خدا ایمان دارد و [فقط] مؤمنان را تصدیق می کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند، رحمت

۱. فتح، ۱۱.

۲. نور، ۱۵.

۳. توبه، ۶۱.

۴. توبه، ۶۱.

۵. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۹.





است و آن‌ها که رسول خدا را آزار می‌دهند، عذاب دردناکی دارند!»

در این قسمت از خطبه، پیامبر ﷺ ضمن استفاده از آیه ۱۵ سوره مبارکه نور و آیه ۶۱ سوره مبارکه توبه، با بیان علت امتناع خود از اعلام رسمی امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، یعنی آزار و کارشکنی منافقان، آنان را نکوهش کرده‌اند. از این عبارات و معنای آیات مرتبط با آن، معلوم می‌شود منافقان افرادی سرکش و ماجراجو و قدرت طلب‌اند که حتی سابقه سرکشی در برابر پیامبر ﷺ و شایعه‌سازی علیه آن حضرت را نیز در کارنامه خود دارند، تا چه رسد به سرکشی در برابر امیرالمؤمنین علی علیه السلام!

۴. آیه جَنْبِ اللَّهِ

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ تَعَالَى ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾»^۱ (ای مردم، همانا علی «جَنْبُ اللَّهِ» است که خداوند در کتابش از او چنین یاد کرده است: «تا مبادا کسی بگوید و احسرتا از کوتاهی که در حق 'جَنْبُ اللَّهِ' مرتکب شدم!»)

مقام والای امیرالمؤمنین علی علیه السلام مقام جنب‌اللهی^۲ است. آن حضرت پس از پیامبر اکرم ﷺ نزدیک‌ترین فرد به خداست که به مقاماتی چون ید‌اللهی، سیف‌اللهی، اُذن‌اللهی، وجه‌اللهی و... رسیده است. تعبیر جنب‌اللّه برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام برگرفته از آیه ۵۶ سوره مبارکه زمر است که می‌فرماید: ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا

۱. زمر، ۵۶.

۲. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۳. مقام جنب‌اللهی حاکی از کمال تقرب و طاعت به درگاه خداست (نک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵ و ج ۳، ص ۲۳۴).





فَرَضْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لِمَنْ السَّاحِرِينَ^۱. برای این اساس، کوتاهی در معرفت و محبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اطاعت از آن بزرگوار، خسارتی است حسرت بار و فاجعه آفرین در دو دنیا.

۵. اقتباس از آیات غدیر

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ عَلَيَّ اَنَّ الْاِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيَّتِكَ عِنْدَ تَبْيَانِيْ ذَالِكَ وَ نَصَّبِيْ اِيَّاهُ بِمَا اَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِيْنِهِمْ وَ اَتَمَمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ رَضِيْتَ لَهُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا فَقُلْتُ: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ﴾^۲.

پروردگارا، تو این فرمان را بر من نازل فرمودی که پیشوایی و امامت بعد از من، به ولی تو علی علیه السلام اختصاص دارد و من نیز این موضوع را بیان کردم و او را به این مقام منصوب کردم تا به این سبب، دینت را برای بندگان کامل ساختی و نعمت را برایشان تمام کردی و راضی شدی که اسلام دین آنان باشد که خود فرموده‌ای: «و هر که از دینی غیر از اسلام پیروی کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت، از زیان کاران است.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این قسمت از خطبه، به بخشی از آیه ۳ سوره مبارکه مائده، یعنی ﴿اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنََكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا﴾ و نیز آیه ۸۵ سوره مبارکه آل عمران استناد کرده‌اند. در این آیات، انتصاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام از سوی خدا به مقام امامت، اكمال دین و اتمام نعمت به برکت ولایت ایشان و همراهی همیشگی ولایت با اسلام، به صراحت بیان شده است.

۱. آل عمران، ۸۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.





۶. آیه حبط اعمال

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾^۱ وَ فِي ﴿التَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۲ * ﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنْظَرُونَ﴾^{۳، ۴}

ای مردم، همانا خداوند عز و جل دین شما را با امامت او [یعنی علی (ع)] کامل کرده است؛ پس هرکس به او و جانشینانش نپیوندد که تا روز قیامت، از فرزندان من و از صلب او هستند، «پس ایشان اعمالشان حبط شده و در آتش دوزخ جاودانه اند.» «نه در عذابشان تخفیفی باشد و نه به آن ها نظر مرحمتی شود.»

در این بخش که دربارهٔ مخالفین ولایت است، پیامبر اکرم (ص) اشاره کرده اند به آیه ۱۷ سوره مبارکه توبه که می فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَ فِي التَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ و نیز آیه ۱۶۲ سوره مبارکه بقره که عبارت است از: ﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنْظَرُونَ﴾.

بر اساس این آیات معلوم می شود اعمال صالح و عبادی، در صورت خروج انسان از خط ولایت، حبط و نابود می شود و نتیجهٔ آخرتی آن، عذاب بدون تخفیف و غضب همیشگی خدا و سکونت جاودانه در جهنم خواهد بود.

۱. آل عمران، ۲۲.

۲. بقره، ۲۱۷.

۳. بقره، ۱۶۲.

۴. احمدین علی طبرسی، الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۱.





۷. همه آيات رضوان

«مَعَاشِرَ النَّاسِ ... وَ مَا أُنْزِلَتْ آيَةُ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ»^۱ (ای مردم، ... هیچ آیه‌ای نازل نشده است که رضایت حق در آن باشد؛ مگر اینکه درباره او [یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام] است.)

تعدادی از این آیات نورانی عبارت‌اند از:

الف. آیه ۱۱۹ سوره مبارکه مائده: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

ب. آیه ۱۰۰ سوره مبارکه توبه: «وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

ج. آیه ۱۸ سوره مبارکه فتح: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَ أَثَابَهُمْ فَثَحَّاهُ قَرِيبًا»

د. آیه ۲۲ سوره مبارکه مجادله: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَزَادَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

از آنجا که علی بن ابی طالب علیه السلام صاحب نفس مطمئننه و عالی‌ترین درجات رشد انسانی بوده و تمام وجود خود را صرف خدمت به اسلام



و مسلمین کردند، به مقام والای رضوان الهی دست یافتند و بی دلیل نیست که خطاب: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ﴾ اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً^۱ زبینه آن حضرت است.

۸. همه آیاتی که با ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آغاز شده است

«وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ.»^۲ (و خداوند هیچ‌گاه خطاب: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید» را صادر نفرموده است؛ مگر اینکه او [یعنی علی علیه السلام] سرفصل آن خطاب است.)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دلیل پیشی گرفتن از دیگران در ایمان به خدا و رسول او و معادباوری و نیز اخلاص ممتاز و پذیرش مشتاقانه فرامین الهی، سرفصل همه خطاب‌های قرآنی به مؤمنان است. بیش از نود آیه از قرآن کریم با خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ آغاز شده است؛ از جمله آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نساء: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ ...﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قیام به عدالت کنید ...).

۹. همه آیاتی که مؤمنان را ستایش می‌کند

«وَلَا تَزَلْ آيَةُ مَذْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ.»^۳ (هیچ آیه‌ای در قرآن نازل نشده است که در آن، کسی را ستوده باشد؛ جز آنکه درباره او [یعنی علی علیه السلام] است.)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عالی‌ترین و برترین درجات ایمانی را برخوردارند. آن حضرت در خیل اهل ایمان، همواره

۱. فجر، ۲۷ و ۲۸.

۲. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

۳. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.



پیشتر بوده و کمترین سابقه‌ای از شرک و حتی شک در کارنامه ایمان ایشان وجود ندارد و هرکجا در قرآن صحبت از ستایش مؤمنان است، علی‌علیه در رأس همه اهل ایمان، مراد آیه‌اند. از جمله این آیات نورانی عبارت‌اند از:

الف. آیه ۶۳ سوره مبارکه فرقان: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و زمانی‌که نادانان ایشان را مخاطب قرار دهند، با ملایمت پاسخ می‌دهند).

ب. آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء: ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (خدا مجاهدان را بر خانه‌نشینان، با پاداشی عظیم برتری داده است).

ج. آیه ۱۰ سوره مبارکه واقعه: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ (و سبقت‌گیرندگان مقدم‌اند).

د. آیه ۲۳ سوره مبارکه احزاب: ﴿مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ (از میان مؤمنان، مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی‌شان در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند).

۱۰. آیات سوره مبارکه انسان

«وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْحَنَّةِ فِي «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا لَهُ»^۱ (و خداوند در

۱. محمدبن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.





سوره «هَلْ أَتَى» به بهشت گواهی نداده است، مگر برای او [یعنی علی علیه السلام].
سوره مبارکه انسان سوره ابرار است و آیاتش در شأن اهل بیت علیهم السلام
و مقام ایثار و اخلاص و پاداش آخرتی آنان است که در این میان،
امیرالمؤمنین علی علیه السلام چونان نگینی می درخشند.

۱۱. سوره مبارکه عصر

«وَفِي عَلِيٍّ أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ الْعَصْرِ...»^۱ (سوره عصر درباره علی نازل
شده است...)

عمل صالح یعنی عملی شایسته که علاوه بر ملاک رضایت و تأیید
الهی، باید تأیید و رضایت ولی زمان را هم همراه داشته باشد و اگر
عملی شایسته، مطابق نظر ولی امر نباشد، در واقع صالح نخواهد بود.
بر این مبنا، اعمالی مانند صلح یا جهاد، با اینکه عنوان عمل صالح را
یدک می‌کشند، اگر در موقعیتی مطابق نظر امام نباشند، عمل صالح
نخواهند بود. زیان کاران و اهل خسران همان کسانی‌اند که در زمان
دستور امام به جهاد، صلح را برمی‌گزینند و در وقت فرمان امام به صلح،
به دنبال جهادند. تاریخ در این زمینه، خوارج بسیاری را به چشم دیده
است که اندک بهره‌ای از عمل صالح نداشته‌اند.

۱۲. آیه ایمان به نور

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمِنُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِالتُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ ﴿مِنْ﴾
قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا ﴿۲﴾ مَعَاشِرَ النَّاسِ

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

۲. نساء، ۴۷.





التُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَمَّ مَسْلُوكٍ فِي عَلَيَّ ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ
إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ ...^۱

ای مردم، ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که با او نازل شده است، «پیش از آنکه چهره‌هایی را هلاک و نابود یا واژگونه کنیم!» ای مردم، نوری از سوی خداوند عزّ و جل در من نهاده شده است که پس از من، در علی و پس از او، در نسل اوست تا مهدی قائم ...

در این عبارات، پیامبر اکرم ﷺ با اقتباس از آیه ۸ سوره مبارکه تغابن که می‌فرماید: ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ و نیز آیه ۴۷ سوره مبارکه نساء، یعنی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ به معرفی نور ولایت و هدایت در نسل فرزندان معصوم خویش پرداخته‌اند، آن‌هم تا دامنه قیامت!

۱۳. اقتباس از آیه ارتداد

مَعَاشِرَ النَّاسِ أُنذِرْكُمْ أَتَى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ
أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْفَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ
فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ أَلَا وَ إِنَّ عَلِيّاً هُوَ
الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ.^۲

ای مردم، شما را بیم می‌دهم که من فرستاده خدا هستم که

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۱، ص ۹۵.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۲.





پیش از من نیز رسولانی بوده‌اند؛ پس اگر بمیرم یا کشته شوم، آیا شما مرتد می‌شوید؟ و هرکس به گذشته کفرش بازگردد، هرگز به خدا زیانی نرساند و خدا به زودی شاکران را پاداش خواهد داد. بدانید علی کسی است که به صبر و شکرگزاری توصیف شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با اشاره به آیه ۱۴۴ سوره مبارکه آل عمران که می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ بزرگ‌ترین مانع پیشرفت اجتماعی دوران خود و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را جریان نفاق و ارتداد و تمرد معرفی کرده‌اند.

۱۴. آیه جایگاه منافقان

«مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَاتَّبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»^۱ (ای مردم، همانا منافقان و یاران و پیروان و طرف‌دارانشان در پایین‌ترین طبقات دوزخ‌اند.)

این عبارت از خطبه غدیریه که در آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منافقان و جریان ممتد تاریخی آن‌ها، یعنی پیروان و طرف‌دارانشان را نفرین کرده و مشمول لعن و عذاب الهی قرار داده‌اند، اشاره‌ای است به آیه ۱۴۵ سوره مبارکه نساء که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً﴾.





کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، به تحقیق و تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، چ ۱، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ج ۱ و ۲، چ ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، چ ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
۵. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه و تصحیح سید حمید طبیبیان، ج ۲، چ ۲۰، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، ادب؛ فنای مقربان، به تحقیق و تنظیم محمد صفایی، ج ۱، چ ۳، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲ش.
۷. سبحانی تبریزی، جعفر، فروغ ولایت، چ ۱، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۷ش، به نقل از: کتابخانه دیجیتال قائمیه.





۸. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۹. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، به تحقیق و تصحیح محمد باقر موسوی خراسان، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۱۰. طبرسی، احمد بن علی، متن و ترجمه کتاب شریف إحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، ج ۱، چ ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، ج ۶، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۲. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، چ ۱، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.
۱۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، به ترجمه و حاشیه نویسی محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، چ ۱، تهران: نشرنی، ۱۳۶۶ش.
۱۴. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، چ ۱، قم: رضی، ۱۳۷۵ش.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۳۷، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به تحقیق و تصحیح مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ج ۱، چ ۱، قم: کنگره شیخ مفید (علیه السلام)، ۱۴۱۳ق.





۱۸. مفید، محمد بن محمد، کتاب الامالی، به تحقیق و تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید علیه السلام، ۱۴۱۳ ق.

۱۹. موسوی خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی): تقریر بیانات امام خمینی (ره)، چ ۳۰، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۴ ش.

۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸ ش.

۲۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۱ و ۲۰، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.

۲۲. مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام)، چ ۲۷، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی صهبا، ۱۳۹۲ ش.

۲۳. مؤسسه فرهنگی هنری راه فخر الائمه علیهم السلام، ولایت فقیه؛ سایه حقیقت عظمی در بیان حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، ج ۲، به نقل از: کتابخانه دیجیتال سایت مؤسسه مطالعاتی صراط مبین.





مسابقه فرهنگی

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقه فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به صورت یک عدد پنج‌رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: حاضران به غایان برسانند ۱۲۳۴۲ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی به نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۰۰۲۵۶۹





پرسش‌ها

پرسش اول: پس از روز مبعث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برترین روز در تاریخ تمدن اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم السلام کدام است؟

۱. عید قربان

۲. روز عرفه

۳. عید غدیرخم

۴. عید فطر

پرسش دوم: در کدام گزینه، ویژگی روز غدیر در کلام امام رضا علیه السلام آمده است؟

۱. عید بزرگ خدا

۲. روز انتشار علم

۳. روز تهنیت و شادباش

۴. همه گزینه‌ها

پرسش سوم: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه غدیر با سه شیوه در پی بسترسازی برای پذیرش ولایت و اثبات امامت معصومین علیهم السلام بودند. در شیوه تعبدی، چگونه به تبیین موضوع انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت از جانب خداوند و لزوم اعلام این مهم پرداخته‌اند؟

۱. با بیان فضایل منحصر به فرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام

۲. با بشارت به پاداش بزرگ ولایت‌مداری

۳. با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم

۴. با اعلام خطر و عذاب برای ولایت‌گريزان



پرسش چهارم: کدام گزینه ناظر بر رسالت علمی و معرفتی غدیریان است؟

۱. معرفت‌شناسی غدیر به‌عنوان جریانی تاریخی
۲. تلاش برای اجرای پیام غدیر در زندگی شخصی
۳. برپایی جشن‌های خانوادگی به‌مناسبت عید غدیر
۴. تلاش عملی برای حاکمیت‌بخشی احکام اسلام

پرسش پنجم: چرا در خطبه غدیریه از آیات ولایت اقتباس شده است؟

۱. مقبولیت عمومی قرآن میان همه فرق‌ها و نحله‌های اسلامی
۲. ارائه ریشه‌های وحیانی موضوع امامت و ولایت
۳. بستن راه هرگونه سوءاستفاده منافقان و مخالفان ولایت
۴. همه گزینه‌ها



پاسخنامهٔ مسابقهٔ فرهنگی حاضران به غایبان برسانند

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

.....تحصیلات:استان:شہر:.....

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

۴	۳	۲	۱	گزینه / پرسش
				اول
				دوم
				سوم
				چهارم
				پنجم

نظرسنجی کتاب حاضران به غایبان برسانند

ردیف	موضوع	پیشینه	نقد	مقتضیات	زیاد	کمتری
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفیدبودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پرسش‌ها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					

پیشنهادهای و انتقادات: -----

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....

.....

کدپستی:

از این قسمت تا شود

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵